

بخش چهارم:

احکام روزه

احکام کلی روزه

مقدمه

روزه یکی از مهم‌ترین عبادات اسلامی و از برترین دستورات انبیاء و اولیای الهی و ادیان توحیدی است و یکی از استوانه‌های پنج‌گانه‌ای است که اسلام بر آنها بنا شده است که اگر با آداب دینی و شرایط لازم انجام شود تأثیر فراوان در تطهیر جسم و جان و تهذیب نفوس بشری و تقویت اراده و سلامت فرد و جامعه و توجه انسان به معنویات و هموعانش خواهد داشت.

رسول گرامی اسلام ﷺ فرمودند: «روزه، انسان روزه‌دار را به اندازه فاصله میان مشرق و مغرب، از شیطان دور می‌سازد»¹ به ویژه کسی که یک ماه تمام به صورت مستمر و پی‌درپی با همه گرفتاریها و مشکلات زندگی امروزی فرصت و موقعیتی برای خود فراهم می‌کند که بتواند خود را از قیود و وابستگیها و زنجیرهای زندگی مادی، آزاد سازد و با کسب معنویات، افاضات و اشراقات ربوبی خود را تشدید کند و صاحب ورع و تقوای الهی گردد. انسان روزه‌دار با کسب این ارزشها وارد زندگی اجتماعی شود و برای زندگی طیب و طاهر در طول سال و بلکه سالیان دراز خود را آماده می‌سازد. روزه برای فرد روزه‌دار این موقعیت را فراهم می‌سازد که رنج فقرا و مستمندان را لمس کرده و آنها را فراموش نکند و مسئولیت سنگینی را که به سبب وجود ایشان متوجه وی است، با تمام وجود درک کند و در میدان عمل از ایشان حمایت کند. این احساس که در گروه زیادی از افراد یک جامعه مسلمان به وجود آمد خودبه‌خود تمام جامعه به همدلی، همدردی، تعاون

1. وسائل الشیعه، باب 1 از ابواب صوم المندوب، ص 396، ح 2.

و همکاری رغبت پیدا می کنند و از برکات روزه و روزه داری بهره مند خواهد شد و به فرموده حضرت علی ابن موسی الرضا علیه السلام با لمس فقر و نیاز دنیوی به یاد فقر و نیازهای روز قیامت بیفتد و برای رفع خطر آن روز در فکر بندگان محروم خدا باشد و آنان را فراموش نکند.¹

﴿مسئله 1695﴾ روزه آنست که انسان برای انجام فرمان خداوند متعال، از اذان صبح صادق تا غروب شرعی از چیزهایی که شرح آنها بعداً خواهد آمد خودداری کند.

﴿مسئله 1696﴾ روزه مانند دیگر عبادات اسلامی باید همراه با نیت باشد، ولی در تحقق نیت لازم نیست انسان آن را از قلب خود بگذراند یا بر زبان جاری سازد، بلکه همین مقدار که با توجه و برای امتثال و فرمانبری امر خدای متعال تصمیم داشته باشد که از اذان صبح تا غروب آفتاب شرعی، از چیزهایی که روزه را باطل می کند دوری گزیند، کافی است و برای اینکه یقین پیدا کند تمام این مدت را روزه بوده، باید مقداری قبل از اذان صبح و مقداری هم بعد از مغرب، کاری که روزه را باطل می کند، انجام ندهد.

﴿مسئله 1697﴾ انسان واجب است در هر شب از ماه رمضان برای روزه فردای آن نیت کند، ولی بهتر است که شب اول ماه نیز نیت روزه همه ماه را بکند.

﴿مسئله 1698﴾ نیت روزه یکی از این سه حالت را دارد:

1- چنانچه روزه او واجب و معین باشد، مثل روزه ماه رمضان، باید قبل از اذان صبح برای فردا نیت کند و از اول شب تا اذان صبح - ماه رمضان - هر وقت روزه فردا را نیت کند اشکال ندارد، به شرط اینکه به نیت خود باقی باشد و برنگردد.

2- چنانچه روزه او واجب غیر معین باشد مثل روزه قضا یا کفارة واجب، وقت آن تا ظهر ادامه دارد، بلکه اگر پیش از ظهر تصمیم نداشته باشد روزه بگیرد یا ترمیم داشته باشد، چنانچه کاری که روزه را باطل می کند انجام ندهد و پیش از ظهر شدن نیت کند، روزه او صحیح است، ولی بعد از ظهر نمی تواند نیت کند.

3- چنانچه روزه او مستحبی باشد وقت نیت آن از اول شب تا چند دقیقه به اذان مغرب روز بعد است، به این معنا که اگر کسی به هر دلیل، بدون نیت روزه از اذان صبح تا چند دقیقه به اذان مغرب کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد و قبل از مغرب نیت روزه مستحبی کند، روزه او صحیح است.

﴿مسئله 1699﴾ برای کسی که بدون نیت روزه قبل از اذان صبح خوابیده و بعد از گذشتن مقداری از وقت نیت روزه بیدار شده است دو حالت وجود دارد:

1- چنانچه قبل از ظهر بیدار و متوجه شود و قصد روزه کند، روزه اش صحیح است - واجب

1. وسائل الشیعه، برگرفته از روایات سوم و پنجم باب 1 از ابواب وجوب صوم، ج 10، ص 8 و 9.

باشد یا مستحب - ولی در روزه واجب معین، مثل روزه ماه رمضان یا نذر معین، روزه را بگیرد و بنا بر احتیاط مستحب قضای آن را هم بجای آورد.

2- چنانچه بعد از ظهر از خواب بیدار شود، روزه واجب از او صحیح نیست، ولی در ماه رمضان بنا بر احتیاط به قصد ما فی الذمه، امساک کند، یعنی از کاری که روزه را باطل می کند پرهیزد و بعد از ماه مبارک هم قضای آن را بجای آورد.

﴿مسئله 1700﴾ اگر کسی قبل از اذان صبح برای روزه فردا نیت کند و بخوابد و بعد از مغرب بیدار شود، روزه آن روزش صحیح است.

﴿مسئله 1701﴾ اگر بخواهد غیر از روزه رمضان و روزه هایی که در ایام خاصی قرار داده شده، مثل اول ماه یا ایام البیض، روزه دیگری بگیرد، اگر متعدد باشد - مثلاً هم روزه قضا داشته باشد هم روزه نذر - باید آن را معین کند، مثلاً نیت کند که روزه قضا یا روزه نذر می گیرم، ولی اگر متعدد نباشد، ظاهر آنست که اگر روزه بگیرد و نیت ما فی الذمه کند کافی است و در ماه رمضان لازم نیست نیت کند که روزه ماه رمضان می گیرم، بلکه نیت روزه فردا کافی است و اگر نداند ماه رمضان است یا فراموش کند روزه دیگری نیت کند، روزه ماه رمضان حساب می شود، همچنین است حکم روزه هایی که در روزهای خاص قرار داده شده است مانند ایام البیض، در صورتی که انسان بخواهد با همان خصوصیت آن روز، روزه بگیرد باید معین کند، ولی اگر به آن خصوصیت توجه نداشته باشد و به صورت مطلق روزه بگیرد، اگر چه روزه اش صحیح است، ولی آن خصوصیت محقق نمی شود.

﴿مسئله 1702﴾ اگر انسان بداند که ماه رمضان است و عملاً نیت روزه غیر رمضان کند، نه روزه رمضان حساب می شود و نه روزه ای که قصد کرده است.

﴿مسئله 1703﴾ اگر انسان به عنوان یکی از روزهای ماه رمضان نیت روزه کند، مثلاً به نیت روز اول ماه رمضان نیت کند و بعد معلوم شود روز دوم، سوم یا چهارم بوده روزه اش صحیح است.

﴿مسئله 1704﴾ اگر در ماه رمضان قبل از اذان صبح بیهوش شد و در بین روز به هوش آمد سه حالت برایش متصور است:

1- چنانچه پیش از اذان صبح نیت روزه کرده و بیهوش شده است و پیش از ظهر به هوش آمده است، باید روزه بگیرد و اگر نگرفت قضای آن را بجای آورد و اگر بعد از ظهر به هوش آید بنا بر احتیاط باید روزه آن روز را تمام کند و اگر تمام نکرد قضای آن روز را بجای آورد.

2- چنانچه پیش از اذان صبح نیت نکرده و بعد از ظهر به هوش آید، علی الظاهر آن روز روزه بر او واجب نیست و قضا هم ندارد.

3- چنانچه قبل از اذان صبح نیت نکرده باشد و پیش از ظهر به هوش آید، بنا بر احتیاط واجب نیت روزه کرده و روزه آن روز را تمام کند و اگر تمام نکرد قضای آن را بجای آورد.

﴿مسئله 1705﴾ اگر کسی قبل از اذان صبح نیت روزه فردا کند و بعداً مست شود و در بین روز

به هوش آید - قبل از ظهر به هوش بیاید یا بعد از ظهر - بنا بر احتیاط واجب روزه آن روز را تمام کند و اگر تمام نکرد قضای آن را بجای آورد.

﴿مسئله 1706﴾ اگر نداند یا فراموش کند که ماه رمضان است و قبل از ظهر متوجه شود، چنانچه کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد باید نیت کند و روزه او صحیح است و چنانچه کاری که روزه را باطل می کند انجام داده است یا بعد از ظهر متوجه شود ماه رمضان است روزه دار محسوب نمی شود، ولی باید تا مغرب کاری که روزه را باطل می کند انجام ندهد و بعد از ماه رمضان هم آن روزه را قضا کند.

﴿مسئله 1707﴾ کسی که در ماه رمضان بالغ شود چهار حالت دارد:

- 1- اگر قبل از اذان صبح بالغ شود باید روزه آن روز را بگیرد.
- 2- اگر قبل از اذان ظهر بالغ شود و کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد، بنا بر احتیاط واجب باید روزه آن روز را بگیرد، مخصوصاً اگر از اذان صبح نیت روزه ولو مستحبی کرده باشد، ولی اگر از اذان صبح نیت روزه نکرده، اقوی آنست روزه آن روز واجب نیست، ولی بهتر است اگر کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد، روزه آن روز را بگیرد.
- 3- اگر بعد از ظهر بالغ شود و قصد روزه آن روز را داشته باشد و کاری هم که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد، می تواند روزه آن روز را بگیرد، ولی واجب نیست.
- 4- اگر بعد از ظهر بالغ شود و قصد روزه آن روز را نداشته باشد، چه کاری که روزه را باطل می کند انجام داده و چه نداده باشد، روزه آن روز بر او واجب نیست و اگر روزه هم بگیرد صحیح نیست.

﴿مسئله 1708﴾ همان طور که در باب نماز گذشت، روزه و دیگر عبادات بجه نابلغ که قدرت تشخیص خوب و بد را دارد صحیح است.

﴿مسئله 1709﴾ اگر کافر پیش از ظهر مسلمان شود و کاری هم که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد، بنا بر احتیاط آن روز را روزه بگیرد، همچنین اگر دیوانه ای عاقل گردد، یا بی هوشی به هوش آید و کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد، بنا بر احتیاط واجب روزه آن روز را بگیرد.

﴿مسئله 1710﴾ کسی که روزه قضای رمضان دارد نمی تواند روزه مستحبی بگیرد، همچنین است اگر روزه واجب دیگری داشته باشد و چنانچه فراموش کند و روزه مستحبی بگیرد، در صورتی که قبل از ظهر یادش بیاید، روزه مستحبی او به هم می خورد و می تواند نیت خود را به واجب برگرداند و اگر بعد از ظهر متوجه شود روزه او باطل است بلکه اگر بعد از غروب هم یادش بیاید صحت روزه او خالی از اشکال نیست.

﴿مسئله 1711﴾ کسی که برای بجای آوردن روزه میتی اجیر شده است، در صورتی که روزه مستحبی بگیرد و مانع گرفتن روزه استیجاری نگردد اشکال ندارد، هر چند بهتر است آن را ترک

کند.

﴿مسئله 1712﴾ کسی که روزه قضا دارد، در صورتی که وقت آن وسعت داشته باشد می تواند روزه استیجاری بگیرد.

﴿مسئله 1713﴾ کسی که غیر از روزه رمضان، روزه واجب معین دیگری دارد، مثلاً نذر کرده که در روز معینی روزه بگیرد، اگر عمداً و یا اختیاراً تا نماز صبح نیت نکند، روزه اش باطل است و اگر نداند روزه آن روز بر او واجب است یا می دانسته، ولی فراموش کرده باشد، در صورتی که قبل از ظهر یادش بیاید و کاری که روزه را باطل می کند نکرده باشد، باید فوراً نیت کند و روزه اش صحیح است و اگر غیر از این کند روزه اش باطل است.

﴿مسئله 1714﴾ اگر مریض در ماه رمضان در میانه روز بهبود یابد اظهر آنست که چه قبل از ظهر خوب شود و چه بعد از ظهر، روزه آن روز بر او واجب نیست و قضای آن را باید بگیرد، اگر چه بهتر است در صورتی که پیش از ظهر خوب شود و کاری که روزه را باطل می کند انجام ندادده باشد نیت روزه کند و آن روز را روزه بگیرد و قضای آن را نیز بجای آورد.

﴿مسئله 1715﴾ روزی را که انسان شک دارد آخر شعبان است یا اول رمضان واجب نیست روزه بگیرد و اگر بخواهد روزه بگیرد نمی تواند نیت روزه رمضان کند بلکه باید نیت روزه قضا یا مستحبی کند و اگر به قصد غیر رمضان روزه بگیرد و بعد معلوم شود آن روز جزء ماه رمضان بوده، روزه ای که گرفته برای رمضان حساب می شود.

﴿مسئله 1716﴾ اگر روزی را که شک دارد آخر شعبان است یا اول رمضان به نیت روزه قضا یا روزه مستحبی و مانند آن روزه بگیرد و در بین روز بفهمد که ماه رمضان است، باید نیت روزه رمضان کند.

﴿مسئله 1717﴾ اگر در روزه واجب معینی مانند روزه رمضان از نیت روزه گرفتن برگردد یا مردد شود، روزه اش باطل می شود، حتی اگر قصد کند یکی از کارهایی که روزه را باطل می کند انجام دهد، هر چند انجام ندهد اظهر آنست که روزه اش باطل است؛ در هر دو صورت باید از چیزهایی که روزه را باطل می کند اجتناب کند و قضای آن را نیز بگیرد.

﴿مسئله 1718﴾ در روزه واجبی که وقت آن معین نیست، مانند روزه قضا یا کفاره، اگر قصد کند کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد یا مردد شود، چنانچه انجام ندهد و تا قبل از ظهر دوباره نیت روزه کند روزه اش صحیح است و در روزه مستحب اگر قبل از غروب هم نیت کند صحیح است.

﴿مسئله 1719﴾ در روزه واجبی که وقت آن معین نیست و وسعت دارد، روزه دار می تواند قبل از اذان ظهر روزه خود را باطل کند، ولی اگر بعد از اذان ظهر بخواهد باطل کند جایز نیست و چنانچه روزه او مستحبی باشد هر وقت بخواهد می تواند آن را باطل کند.

مبطلات روزه

﴿مسئله 1720﴾ چند چیز است که روزه را باطل می‌کند و به آنها مبطلات روزه می‌گویند:
 1- خوردن، 2- آشامیدن، 3- جماع، 4- استمناء، 5- دروغ بستن به خدا یا پیامبر ﷺ یا امامان معصومین و بنا بر احتیاط واجب دروغ بستن بر حضرت زهرا علیها السلام و سایر پیامبران و جانشینان ایشان علیهم السلام، 6- بنا بر احتیاط واجب رساندن غبار غلیظ به حلق، 7- فرو بردن تمام سر در آب 8- باقی ماندن بر جنابت، حیض و نفاس تا اذان صبح، 9- تنقیه کردن با چیزهای مایع و روان، 10- عمداً قی کردن؛ و احکام این موارد در مسائل آینده بیان می‌شود.

1 و 2- خوردن و آشامیدن

﴿مسئله 1721﴾ اگر انسان روزه‌دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، چه خوردن یا آشامیدن آن، معمول باشد مانند نان و آب یا معمول نباشد مانند خاک و شیره درخت و امثال آن، کم باشد یا زیاد، روزه‌اش باطل می‌شود، حتی اگر مسواکی را که رطوبت دارد از دهان بیرون آورد و دوباره به دهان ببرد و رطوبت آن را فرو دهد روزه او باطل می‌شود، مگر آنکه رطوبت به قدری کم باشد که آب دهان بر آن غالب شود.

﴿مسئله 1722﴾ اگر روزه‌دار سهواً چیزی بخورد یا بیاشامد، چه روزه او واجب باشد یا مستحب، روزه‌اش باطل نمی‌شود.

﴿مسئله 1723﴾ اگر انسان موقعی که در حال خوردن سحری است متوجه شود صبح شده، واجب است از فرو بردن غذا خودداری کند و چنانچه عمدتاً غذا را فرو برد، روزه‌اش باطل می‌شود و در روزه ماه رمضان بنا به دستوری که بعداً گفته خواهد شد کفار نیز بر او واجب می‌شود.

﴿مسئله 1724﴾ اگر شک کند که صبح شده یا نه، می‌تواند کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، ولی بنا بر احتیاط قبل از تحقیق چنین کاری انجام ندهد.

﴿مسئله 1725﴾ احتیاط واجب آنست که شخص روزه‌دار از زدن آمپولهای تقویتی و دارویی و انواع سرمها اجتناب کند، ولی آمپولهایی که برای بی‌حس کردن عضو یا تسکین درد تزریق می‌شود، اشکال ندارد، بنابراین اگر روزه‌دار مریضی باشد که روزه برای او ضرر ندارد، ولی به آمپول دارویی نیاز دارد و ناچار است در روز آمپول بزند، پس از زدن آمپول، روزه آن روز را بگیرد و بنا بر احتیاط واجب قضای آن را هم بجای آورد.

﴿مسئله 1726﴾ اگر روزه‌دار چیزی را که در بین دندان مانده است عمدتاً فرو برد، روزه‌اش باطل می‌شود.

﴿مسئله 1727﴾ شستن و خلال کردن دهان و دندان قبل از اذان صبح لازم نیست هر چند احتمال دهد غذای لای دندان در روز فرو می‌رود، ولی اگر بداند غذایی که لای دندان مانده در روز فرو می‌رود و خلال نکند، بنا بر احتیاط روزه او باطل می‌شود، در صورت فرو رفتن غذا، کفاره هم

لازم است و اگر فرو نرود احتیاط واجب آنست آن روز را امساک کند و قضای آنرا هم بجای آورد.

﴿مسئله 1728﴾ فرو بردن اخلاط سر و سینه تا وقتی که به فضای دهان نرسیده اشکال ندارد، ولی اگر به فضای دهان رسیده باشد بنا بر احتیاط واجب آنرا فرو نبرد.

﴿مسئله 1729﴾ فرو بردن آب دهان هر چند به خاطر تصوّر ترشی و مانند آن در دهان جمع شده باشد، اشکال ندارد و روزه را باطل نمی کند.

﴿مسئله 1730﴾ اگر روزه دار به اندازه ای تشنه شود که بترسد از تشنگی هلاک شود یا ضرر و زیان غیر قابل تحمّل به او متوجّه می شود، واجب است به مقداری که از هلاکت و مردن یا از ضرر و زیان رهایی یابد، آب بنوشد، گرچه روزه اش باطل می شود و اگر ماه رمضان باشد باید در بقیه روز از کاری که روزه را باطل می کند خودداری کند و بنا بر احتیاط واجب قضای آنرا هم بگیرد.

﴿مسئله 1731﴾ انسان نمی تواند به خاطر ضعف و ناتوانی جسمی روزه خود را بخورد، ولی اگر ضعف او به قدری زیاد است که به طور عادی قابل تحمّل نیست، خوردن روزه اشکال ندارد، ولی بعد از آنکه حالش بهتر شد، قضای آنرا باید بگیرد.

﴿مسئله 1732﴾ اگر روزه برای انسان ضرر داشته باشد نباید روزه بگیرد و اگر با وجود ضرر روزه گرفت، روزه اش باطل است و باید قضای آنرا بگیرد، همچنین است اگر احتمال دهد روزه برایش ضرر دارد و احتمال او در نظر مردم عقلایی و بیجا نباشد.

﴿مسئله 1733﴾ جویدن غذا برای بچه یا پرنده و چشیدن غذا و مانند اینها که به سبب آن معمولاً غذا به حلق نمی رسد، اگر چه اتفاقاً به حلق برسد، روزه را باطل نمی کند، ولی اگر انسان از ابتدا بداند که به حلق می رسد، چنانچه فرو رود روزه اش باطل می شود و باید قضای آنرا بگیرد و کفّاره هم بر او واجب می شود، بلکه در این صورت اگر فرو نرود نیز آن روز را روزه بگیرد و بنا بر احتیاط قضای آنرا هم بجای آورد.

3- جماع

﴿مسئله 1734﴾ جماع و نزدیکی کردن روزه را باطل می کند، گرچه فقط به اندازه ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید. فرقی نمی کند که با زن باشد یا - خدای ناکرده - با مرد یا با حیوانی باشد و این عمل موجب باطل شدن روزه فاعل و مفعول می شود، در صورتی که هر دو روزه دار باشند.

﴿مسئله 1735﴾ در صورتی که انسان روزه دار تصمیم بگیرد که جماع کند و توجه داشته باشد که روزه اش باطل می شود، هر چند جماع انجام نگیرد یا به اندازه ختنه گاه داخل نشود و منی بیرون نیاید، صحت روزه او محل اشکال است، پس روزه آن روز را تمام کند و قضای آنرا نیز بجای آورد.

﴿مسئله 1736﴾ اگر روزه دار فراموش کند که روزه است و جماع کند یا او را به جماع و نزدیکی

کردن مجبور کنند به طوری که عمل جماع بدون اراده و اختیار او واقع شود، روزه او باطل نمی‌شود، ولی چنانچه در بین جماع یادش بیاید یا دیگر مجبور نباشد، باید فوراً از حال جماع خارج شود، وگرنه روزه‌اش باطل می‌شود.

﴿مسئله 1737﴾ در مواردی که روزه‌دار شک کند که آلت تناسلی داخل شده است یا نه، یا اینکه به اندازه ختنه‌گاه داخل شده یا نه، روزه‌اش باطل نمی‌شود.

4- استمناء

﴿مسئله 1738﴾ استمناء آنست که انسان با خود کاری کند که منی از او خارج شود و این کار حرام است و روزه را باطل می‌کند، ولی اگر بدون آنکه کاری انجام دهد یا فکری کند بی‌اختیار از او منی بیرون آید روزه‌اش باطل نمی‌شود.

﴿مسئله 1739﴾ اگر کاری کند که به سبب آن منی از او خارج می‌شود ولو اینکه منی هم بیرون نیاید روزه‌اش باطل می‌شود و باید تا غروب شرعی امساک کند و بعداً نیز قضای آن روز را بجای آورد.

﴿مسئله 1740﴾ اگر کاری کند که بی‌اختیار منی از او بیرون آید چند حالت ممکن دارد:

1- عادت داشته است که هرگاه از این کارها انجام می‌داده منی از او خارج می‌شده است و اتفاقاً خارج هم شده، هم روزه باطل است و هم کفاره واجب است.

2- بعضی از این کارها را بدون قصد خارج شدن منی انجام داده است و عادت هم نداشته که بعد از این نوع کارها منی از او خارج شود و به طور اتفاقی منی از وی بیرون بیاید در این صورت اگر عادت بر عدم انزال منی داشته و کارها هم از قبیل بوسه و بازی و لمس زن خویش نبوده است، ظاهر آنست که روزه‌اش باطل نیست.

3- در صورتی که این کارها را بدون قصد انزال منی انجام داده و عادت بر عدم انزال منی هم نداشته است و کارها از قبیل بوسه و بازی و لمس زن خود بوده که معمولاً تحریک کننده است و اتفاقاً منی هم خارج شده، بنا بر احتیاط واجب روزه‌اش باطل است و باید آن روز را امساک کند و قضای آن را نیز بجای آورد.

4- در صورتی که کارهای انجام شده از قبیل لمس و بوسه و بازی نبوده بلکه در حد نگاه یا صحبت بوده است و با قصد بیرون آمدن منی نیز این کارها را انجام نداده و عادت او هم بر انزال منی بعد از این کارها نبوده است و در عین حال بدون اختیار منی خارج شده است، ظاهر آنست که روزه‌اش باطل نیست، اگرچه احتیاط آنست که آن روز را امساک کند و قضای آن را هم بجای آورد.

﴿مسئله 1741﴾ اگر روزه‌دار در حال بیرون آمدن منی از خواب بیدار شود، واجب نیست از بیرون آمدن آن جلوگیری کند.

﴿مسئله 1742﴾ اگر روزه‌دار بداند که اگر در روز بخوابد، در حالت خواب از او منی خارج

می‌شود، می‌تواند بخوابد و در صورتی که بخوابد و محتلم هم شود روزه‌اش صحیح است، گر چه احتیاط مستحب آنست که اگر مشقت نداشته باشد نخوابد و اگر خوابید و محتلم شد قضای آن روز را بگیرد.

﴿مسئله 1743﴾ روزه‌داری که محتلم شده، می‌تواند ادرار و استبراء کند و اگر بداند یا احتمال دهد منی در مجرا مانده است و در صورتی که پیش از غسل ادرار و استبراء نکند و بعد از غسل منی از او بیرون آید، دوباره جنب می‌شود، پس بنا بر احتیاط واجب باید پیش از غسل ادرار و استبراء کند، ولی اگر غسل کرده باشد و بداند به سبب ادرار و استبراء باقی مانده منی بیرون می‌آید و دوباره جنب می‌شود، نمی‌تواند استبراء کند، مگر آنکه بول نکرده و موجب عُسر و حرج شود.

5- دروغ بستن عمدی به خدا یا پیامبر ﷺ و یا امامان معصوم ﷺ

﴿مسئله 1744﴾ اگر روزه‌دار عمداً با گفتن، نوشتن یا اشاره و مانند آن به خدا یا پیامبر ﷺ یا امامان معصوم ﷺ نسبت دروغ بدهد، گر چه بلافاصله بگوید دروغ گفتم یا توبه کند، روزه او باطل می‌شود و بنا بر احتیاط این حکم در مورد حضرت زهرا ﷺ و سایر پیامبران و جانشینان آنان نیز جریان دارد.

﴿مسئله 1745﴾ اگر روزه‌دار خبری را که نمی‌داند راست است یا دروغ نقل کند، بنا بر احتیاط باید از قول کسی که آن خبر را گفته یا از کتابی که آن خبر در آن بوده نقل کند یا به‌طور اجمال بگوید خبری به این مضمون وارد شده است و نباید به‌طور جدی از قول خدا یا پیامبر ﷺ یا امامان معصوم ﷺ خبر دهد.

﴿مسئله 1746﴾ اگر روزه‌دار با اعتقاد به اینکه خبری صحیح است، از قول خدا یا پیامبر ﷺ یا امامان معصوم ﷺ خبری را نقل کند و بعد معلوم شود دروغ بوده، روزه‌اش باطل نمی‌شود.

﴿مسئله 1747﴾ نسبت دروغ عمداً به خدا و رسول خدا ﷺ و دیگر امامان معصوم ﷺ روزه را باطل می‌کند، چه خودش آن دروغ را بسازد یا دیگری آن را پرداخته باشند، ولی اگر آن دروغ را که دیگری ساخته از او نقل کند، روزه‌اش باطل نمی‌شود.

﴿مسئله 1748﴾ اگر از روزه‌داری سؤال شود که آیا خداوند متعال یا رسولش ﷺ بنا یکی از امامان معصوم ﷺ چنین مطلبی را فرموده‌اند و او عمداً خلاف واقع را بیان کند روزه‌اش باطل می‌شود.

﴿مسئله 1749﴾ اگر در شب دروغی را نسبت دهد و روز بعد که روزه است بگوید: حرفی که شب قبل گفتم درست بود یا حرف راستی را در شب نسبت دهد و در روز بگوید که شب گذشته دروغ گفتم، روزه او باطل است.

﴿مسئله 1750﴾ نسبت دروغ به خدا و پیامبر ﷺ و امامان معصوم ﷺ به صورت شوخی، هر چند بی‌ادبی است اما روزه را باطل نمی‌کند.

6- رساندن غبار غلیظ به حلق

﴿مسئله 1751﴾ رساندن غبار غلیظ به حلق عمداً، بنا بر احتیاط واجب روزه را باطل می‌کند، چه غبار چیزی باشد که خوردن آن حلال است مثل آرد یا چیزی باشد که خوردن آن حرام است مثل خاک، ولی رسیدن غبار رقیق که عرفاً جزء هوا محسوب می‌شود به روزه ضرر نمی‌رساند.

﴿مسئله 1752﴾ اگر به سبب باد یا جارو کردن، غبار غلیظی پیدا شود و انسان با اینکه متوجه است مواظبت نکند و آن به حلق برسد، بنا بر احتیاط واجب روزه‌اش باطل می‌شود.

﴿مسئله 1753﴾ ظاهر آنست که بخار و غبار غلیظ خصوصیت ندارد، بنابراین احتیاط واجب آنست که روزه‌دار بخار غلیظ و دود سیگار و دیگر دخانیات را هم به حلق نرساند.

﴿مسئله 1754﴾ اگر روزه‌دار مواظبت نکند و غبار یا بخار و یا دود و مانند اینها داخل حلق شود، چنانچه اطمینان یا گمان داشته باشد که به حلق نمی‌رسد روزه‌اش صحیح است.

﴿مسئله 1755﴾ اشخاصی که به سبب بیماری تنگی نفس به دستور پزشک از وسیله‌ای استفاده می‌کنند که به وسیله آن از راه دهان یا بینی استنشاق می‌کنند و قهراً به ریه آنها می‌رسد، چنانچه بدون آن نمی‌توانند روزه بگیرند، اشکال ندارد.

﴿مسئله 1756﴾ اگر فراموش کند که روزه است و مواظبت نکند یا بی‌اختیار غبار و مانند آن به حلق او برسد، روزه‌اش باطل نمی‌شود.

7- فرو بردن تمام سر در آب

﴿مسئله 1757﴾ اگر عمداً و با اختیار، تمام سر خود را به تدریج یا یک دفعه زیر آب ببرد، گرچه بدن او از آب بیرون باشد، بنا بر احتیاط واجب باید قضای آن روزه را بگیرد، ولی اگر تمام بدن را آب بگیرد و تمام سر یا مقداری از آن بیرون باشد، روزه باطل نمی‌شود.

﴿مسئله 1758﴾ اگر نیمی از سر را یک بار و نیمی را بار دیگر در آب فرو برد به طوری که تمام سر در یک لحظه زیر آب نباشد روزه‌اش باطل نیست.

﴿مسئله 1759﴾ ملاک ابطال روزه فرو بردن تمام سر در آب است، بنابراین اگر سر را زیر آب ببرد و فقط مقداری از موها بیرون بماند، بنا بر احتیاط واجب باید قضای آن را بگیرد.

﴿مسئله 1760﴾ اگر روزه‌دار شك کند که تمام سر زیر آب رفته یا نه، به شك خود اعتنا نکند و روزه‌اش صحیح است.

﴿مسئله 1761﴾ احتیاط واجب آنست که در ماه رمضان انسان روزه‌دار از فرو بردن سر در گلاب و آبهای مضاف دیگر، اجتناب کند، ولی فرو بردن سر در چیزهای دیگری که روان است، مانند شیر و روغن مایع، اشکال ندارد.

﴿مسئله 1762﴾ اگر شخص روزه‌دار با استفاده از کلاه غواصی و مانند آنکه سرش را در محفظه قرار می‌دهد به زیر آب فرو رود، روزه‌اش صحیح است.

﴿مسئله 1763﴾ اگر شخص روزه‌دار بدون اختیار در آب بیفتد یا کسی او را در آب بیندازد و تمام سرش زیر آب فرو رود یا فراموش کند که روزه است و سر خود را زیر آب کند، روزه‌اش باطل نمی‌شود، ولی هر وقت یادش آمد و قدرت بیرون آمدن از آب را پیدا کرد، واجب است فوراً سرش را از زیر آب بیرون بیاورد و اگر بیرون نیاورد روزه‌اش باطل است، اما باید تا مغرب از همه چیزهایی که روزه را باطل می‌کند اجتناب کرده و قضای آن روز را هم بگیرد.

﴿مسئله 1764﴾ اگر شخص روزه‌دار سهواً به نیت غسل سرش را زیر آب فرو ببرد و بعد از بیرون آوردن متوجه بشود، هم روزه‌اش صحیح است و هم غسلی که انجام داده بی‌اشکال است.

﴿مسئله 1765﴾ اگر روزه‌دار بداند که روزه است و عمداً به نیت غسل سر خود را زیر آب فرو ببرد دو صورت دارد:

1- چنانچه روزه او واجب و معین باشد، مانند روزه ماه رمضان، بنا بر احتیاط واجب باید روزه را قضا کند و غسل را دوباره به صورت ترتیبی انجام دهد هر چند در روزه واجب معین غیر رمضان، اگر در حال سکون زیر آب یا در حال خارج شدن از آن نیت غسل کند بعید نیست که غسل او صحیح باشد، ولی روزه‌اش باطل است.

2- چنانچه روزه او روزه مستحب یا روزه واجبی باشد که وقت آن وسعت دارد طوری که اتمام امساک و روزه واجب نباشد، غسل باطل نمی‌شود، ولی بنا بر احتیاط واجب روزه باطل است.

﴿مسئله 1766﴾ روزه‌داری که برای نجات غریق یا ناگزیر از فرو بردن سر خود به زیر آب است، گرچه نجات غریق واجب باشد بنا بر احتیاط واجب روزه او صحیح نیست، پس اگر روزه او واجب معین است، تا غروب شرعی امساک کند و قضای آن را هم بگیرد و اگر واجب غیر معین بوده و قبل از ظهر باشد لازم نیست روزه آن روز را تمام کند و تنها باید عوض آن را بجای آورد و اگر روزه او مستحبی باشد، لازم نیست آن را تمام کند و قضا نیز ندارد، در تمام مواردی که واجب است برای نجات غریق و مانند آن روزه‌دار سرش را در آب فرو برده، اگر مخالفت کرده و ارتماس نکند، بنا بر اظهر باز هم روزه‌اش باطل است، چون لازمه وجوب ارتماس ممنوع و منهی بودن امساک است.

﴿مسئله 1767﴾ ریختن آب روی سر اشکالی ندارد، ولی اگر مثل آب لوله‌های بزرگ یا آبشار است که به یک باره تمام سر را می‌پوشاند، اشکال دارد.

﴿مسئله 1768﴾ بنا بر احتیاط واجب غسل ارتماسی اگر عمداً باشد روزه را باطل می‌کند چه روزه‌دار مبطل بودن آن را بداند یا نداند.

8- باقی ماندن بر جنابت یا حیض یا نفسا تا اذان صبح

﴿مسئله 1769﴾ اگر روزه‌دار در ماه رمضان و قضای آن، جنب، حائض یا نفاس شود و عمداً تا نماز صبح غسل نکند، یا اگر وظیفه او تیمم است تیمم نکند، روزه او باطل می‌شود.

﴿مسئله 1770﴾ اگر روزه‌دار در ماه رمضان یا روزه واجب که مثل روزه رمضان وقت معین دارد، تا اذان صبح سهواً و یا به خاطر عذر غسل نکند یا اگر وظیفه اش تیمم است، تیمم نکند، مثلاً نداند که جنب شده یا دیگری نگذارد که غسل یا تیمم کند، روزه اش صحیح است.

﴿مسئله 1771﴾ کسی که جنب است و می‌خواهد در غیر رمضان روزه‌ای بگیرد که وقت معین دارد، اگر عمداً تا تنگی وقت غسل نکند، می‌تواند با تیمم روزه بگیرد و روزه اش صحیح است، ولی به خاطر تأخیر عمدی غسل معصیت کار است.

﴿مسئله 1772﴾ اگر جنب در ماه رمضان غسل را فراموش کند و پس از یک روز یادش بیاید، قضای همان روز را بگیرد و اگر بعد از چند روز یادش بیاید قضای هر چند روز را که می‌داند جنب بوده است بگیرد و اگر می‌داند چند روز جنب بوده، ولی نداند مثلاً سه روز بوده است یا چهار روز، در صورتی که منشأ شک کوتاهی خودش نباشد و از قبیل دوران امر بین اقل و اکثر باشد و قضای اقل را بجای آورد کافی است.

﴿مسئله 1773﴾ کسی که در شب ماه رمضان نه برای غسل وقت دارد و نه برای تیمم، نباید خود را جنب کند و اگر خود را عمداً جنب کند روزه اش باطل است و باید هم قضای روزه را بگیرد و هم کفاره بدهد، ولی اگر تنها برای تیمم وقت داشته باشد در صورتی که عمداً خود را جنب کرده و تیمم کند، روزه اش صحیح، ولی گناه کرده است.

﴿مسئله 1774﴾ اگر انسان در شب ماه رمضان اطمینان یا گمان داشته باشد که اگر جنب شود به اندازه غسل جنابت وقت خواهد داشت و خود را جنب کند و بعداً معلوم شود که به اندازه غسل وقت نداشته و تیمم بدل از غسل کند روزه اش صحیح است. همچنین است بنا بر اظهار اگر گمان داشته باشد که وقت به اندازه غسل خواهد داشت و خود را جنب کند و بعد معلوم شود وقت نداشته و تیمم بدل از غسل کند روزه اش صحیح است.

﴿مسئله 1775﴾ کسی که در ماه رمضان واجب است برای روزه تیمم کند، واجب نیست بعد از تیمم تا اذان صبح بیدار بماند، گرچه بهتر است تا صبح نخوابد و از او حدث دیگری هم سر نزند.

﴿مسئله 1776﴾ کسی که در شب ماه رمضان جنب شده است اگر بخواهد بخوابد، چهار حالت برایش وجود دارد:

1- در صورتی که بداند تا اذان صبح بیدار نمی‌شود یا عادت به بیدار شدن ندارد، بنا بر احتیاط واجب نباید بخوابد و در صورتی که بخوابد و تا اذان صبح بیدار نشود، روزه اش باطل و قضا و کفاره بر او واجب می‌شود.

2- اگر می‌داند یا گمان و یا عادت دارد پیش از اذان صبح بیدار شود، یکی از این دو حالت را دارد:

الف - چنانچه با این تصمیم که پس از بیدار شدن غسل کند بخوابد، ولی تا اذان بیدار نشود، روزه اش صحیح است.

ب- اگر از خواب اول بیدار شود و با این تصمیم بخوابد و بیدار نشود، حکم بند الف را دارد و ظاهراً بین خواب اول و دوم و سوم فرقی نیست، اگرچه احتیاط آنست اگر از خواب اول بیدار شد دوباره به خواب نرود و این احتیاط در خواب سوم مؤکدتر است.

3- اگر می‌داند یا احتمال می‌دهد برای اذان صبح بیدار می‌شود، ولی تصمیم بر غسل بعد از بیدار شدن نداشته یا تردید داشته باشد که غسل کند یا نه، در صورتی که بخوابد و تا اذان صبح بیدار نشود، روزه‌اش باطل است و قضا و کفاره نیز بر او واجب می‌شود برای اینکه از موارد بقای عمدی بر جنابت است.

4- اگر می‌داند یا احتمال می‌دهد که اگر بخوابد برای اذان صبح بیدار می‌شود و بعد به‌طور کلی از جنابت و غسل غفلت داشته باشد و تا اذان صبح در خواب بماند، روزه‌اش صحیح است چون تعمّد بر بقای بر جنابت صدق نمی‌کند.

﴿مسئله 1777﴾ اگر روزه‌دار در روز محتمل شود، لازم نیست فوراً غسل کند.

﴿مسئله 1778﴾ موازیدی که میان خواب اول و خوابهای بعدی از نظر حکم فرق وجود دارد خواب اول، خوابی است که بعد از جنابت واقع می‌شود، بنابراین خوابی را که انسان در آن محتمل شده است نباید خواب اول به حساب آورد و همچنین اگر بین خوابهای اول، دوم و سوم از حیث بطلان روزه و وجوب کفاره فرقی وجود داشته باشد، میان خوابهای سوم، چهارم و بالاتر فرقی وجود ندارد و حکم خواب چهارم یا بیشتر همان حکم خواب سوم است، گرچه اظهر آنست که میان آنها تفاوتی وجود ندارد.

﴿مسئله 1779﴾ اگر در ماه رمضان بعد از اذان صبح بیدار شده و متوجه شود که محتمل شده، روزه‌اش صحیح است، اگرچه بداند که قبل از اذان محتمل شده است.

﴿مسئله 1780﴾ کسی که می‌خواهد قضای روزه رمضان را بگیرد اگر تا اذان صبح، هر چند عمدی نباشد، جنب بماند، چنانچه وقت قضا و سعت دارد، روزه او باطل است و اگر وقت و سعت ندارد، بنا بر احتیاط آن روز را امساک کند و بعد از رمضان آن را قضا کند.

﴿مسئله 1781﴾ اگر در روزه واجب غیر از رمضان و قضای آن، تا اذان صبح جنب بماند، ظاهر آنست که اگر عمداً هم جنب بماند، روزه‌اش صحیح است چه واجب معین باشد و چه غیر معین، ولی احتیاطاً در صورتی که عمدی بوده تیمم کند و با تیمم روزه را بگیرد و بعد از رمضان قضا کند و این احتیاط در واجب غیر معین مؤکدتر است.

﴿مسئله 1782﴾ اگر زن قبل از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و عمداً غسل نکند و در تنگی وقت هم تیمم نکند، روزه او در ماه رمضان باطل است و بنا بر احتیاط واجب قضای رمضان هم همین حکم را دارد.

﴿مسئله 1783﴾ اگر زن قبل از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و وقت برای غسل نداشته باشد، تیمم کند و لازم نیست تا اذان صبح بیدار بماند، روزه‌اش صحیح است و در این جهت میان

روزه رمضان و قضای آن و روزه‌های واجب غیر معین و مستحبی فرقی نیست، اگر چه بهتر آنست که در روزه‌های واجب غیر معین و مستحب با تیمّم روزه نگیرد.

﴿مسئله 1784﴾ اگر زن نزدیک اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و برای هیچ کدام از غسل و تیمّم وقت نداشته باشد، یا بعد از اذان بفهمد که پیش از اذان پاک شده، روزه‌اش صحیح است، چه واجب و چه مستحب و چه واجب معین باشد و چه غیر معین، اگر چه در قضای رمضان در صورت وسعت وقت صحت روزه خالی از اشکال نیست و در روزه مستحب یا روزه‌های واجب غیر معین مانند کفّاره که وقت آن معین نیست، بهتر آنست که با تیمّم روزه نگیرند.

﴿مسئله 1785﴾ اگر زن بعد از اذان صبح از خون حیض یا نفاس پاک شود یا در وسط روز خون حیض یا نفاس ببیند، اگر چه نزدیک غروب باشد، روزه او باطل است.

﴿مسئله 1786﴾ اگر زن غسل حیض یا نفاس خود را فراموش کند و بعد از یک یا چند روز یادش بیاید، ظاهر آنست که روزه‌هایی که گرفته صحیح است، گر چه بهتر آنست که قضای آنها را هم بجای آورد.

﴿مسئله 1787﴾ زنی که در حال استحاضه است اگر غسلهای خود را به ترتیبی که در احکام استحاضه گفته شد انجام دهد، روزه او صحیح است.

﴿مسئله 1788﴾ کسی که مس میت کرده است، می تواند بدون غسل مس میت روزه بگیرد و اگر در حال روزه هم میت را لمس کند روزه‌اش باطل نمی شود.

﴿مسئله 1789﴾ کسی که به اصطلاح فاقد طهورین است، یعنی نه آب برای وضو و غسل دارد و نه چیزهایی که تیمّم به آنها صحیح است، می تواند بدون غسل و تیمّم روزه بگیرد و در این مسئله تفاوتی بین جنابت و حیض و نفاس وجود ندارد.

9- تنقیه کردن با چیزهای روان

﴿مسئله 1790﴾ تنقیه کردن با چیزهای روان، اگر چه به خاطر ضرورت و یا معالجه باشد روزه را باطل می کند.

﴿مسئله 1791﴾ در صورتی که انسان روزه‌دار اشیای جامد را استعمال کند یا شیافهایی را که برای معالجه و درمان به کار می برند مورد استفاده قرار دهد، اشکال ندارد، گر چه بهتر است حتی از استعمال اشیای غیر مایع هم خودداری کند.

﴿مسئله 1792﴾ احتیاط واجب آنست که از استعمال شیافهای تریاک و تمام شیافهایی که اثر غذایی یا دارویی دارند خودداری شود.

﴿مسئله 1793﴾ تنقیه کردن با مایع عمداً، روزه را باطل می کند، چه از راه و مجرای طبیعی صورت گیرد یا از غیر آن، مشروط بر اینکه عرفاً تنقیه صدق کند.

﴿مسئله 1794﴾ تنقیه کردن با چیزهای روان و مایع روزه را باطل می کند، ولی تنقیه کردن با بخار

یا هوا که در اعصار جدید رواج پیدا کرده است روزه را باطل نمی کند، ولی احتیاط واجب آنست که از شست و شو دادن معده به وسیله دستگاہ که در زمان ما متداول است خودداری کنند، گرچه عنوان تنقیه بر آن صدق نکند.

﴿مسئله 1795﴾ اگر به وسیله دستگاهی که از طریق دهان وارد معده می شود، معده را شست و شو دهند و سپس وسایل شست و شو را از همان طریق بیرون آورند، روزه باطل نمی شود.

10- قی کردن

﴿مسئله 1796﴾ اگر روزه دار عمداً قی کند، گرچه به خاطر بیماری و یا ناچاری باشد، روزه اش باطل می شود، ولی اگر اشتبهاً یا بی اختیار قی کند، اشکال ندارد.

﴿مسئله 1797﴾ اگر روزه دار بتواند از قی کردن خودداری کند، چنانچه برای او ضرر و مشقت نداشته باشد در روزه واجب معین باید خودداری کند.

﴿مسئله 1798﴾ اگر روزه دار بداند خوراکی را که قصد دارد در شب بخورد موجب می شود در روز ناخواسته قی کند، چنانچه بخورد و قی کند، بنا بر احتیاط واجب باید آن روزه را قضا کند، حتی در این فرض اگر قی نکند نیز بنا بر احتیاط قضای آن روزه را بگیرد.

﴿مسئله 1799﴾ اگر روزه دار بداند با آروغ زدن چیزی از گلو خارج می شود، طوریکه می گویند قی کرده است، نباید عمداً آروغ بزند، ولی اگر یقین نداشته باشد، اشکال ندارد.

﴿مسئله 1800﴾ اگر آروغ بزند و بی اختیار چیزی در گلو یا دهانش بیاید، باید آن را بیرون بریزد، ولی اگر بی اختیار فرو رود روزه اش صحیح است.

﴿مسئله 1801﴾ اگر اشتبهاً چیزی را فرو برد و قبل از رسیدن به گلو یادش بیاید، واجب است بیرون بریزد و روزه اش صحیح است و نیز اگر قبل از رسیدن به معده یادش بیاید، چنانچه به معده نرسیده باشد و بیرون آوردن آن ممکن باشد و قی هم به آن صدق نکند، باید آن را بیرون آورد و روزه او صحیح است و اگر بیرون آوردن آن ممکن باشد، ولی عنوان قی کردن عمدی بر آن صدق کند در این صورت بیرون آوردن مصداق قی عمدی است و پایین بردن عنوان اکل و شرب، ظاهراً بیرون آوردن آن جایز نیست اگرچه اقوی آنست چیزی را که سهواً فرو برده و بعد از رسیدن به حلق یادش آمده، گرچه به معده نرسیده باشد، خوردن و آشامیدن بر آن صدق نمی کند و اگر فرو بردن، خوردن عمدی حساب شود و بالا آوردن هم قی نباشد بیرون آوردن آن واجب است، ولی اگر بعد از رسیدن به حلق یادش بیاید در این صورت اگر بیرون آورد قی صدق می کند، چون اصل فرو بردن سهوی بوده و حرمت نداشته است، بر فرو بردن آن عنوان اکل و شرب صدق نمی کند، بنابراین بیرون آوردن جایز نیست و در هر صورت بنا بر احتیاط واجب تا غروب امساک کرده و قضای آن را نیز بجای آورد.

﴿مسئله 1802﴾ برای کسی که روزه واجب معینی مانند رمضان گرفته و مشغول نماز واجب نیز

شده است و در عین حال چیزی به گلویش رفته و بیرون آوردن آن ممکن نیست مگر آنکه نماز را باطل کند، چند حالت وجود دارد:

1- نگهداری آن تا اتمام نماز ممکن باشد به طوری که فرو نبرد تا روزه باطل شود، در این حال واجب است تا اتمام نماز آنرا نگهداری کند و پس از اتمام آنرا بیرون بیندازد.

2- حفظ و نگهداری آن ممکن نباشد، به طوری که یا باید آنرا فرو برد و بخورد که روزه اش باطل می شود یا به هر طریق ممکن بیرون بیاورد و نماز را باطل کند ولو با تکلم به کلمه آخ و اگر آن چیز به حدی فرو نرفته که عرفاً عنوان خوردن به آن صدق کند، در صورت وسعت وقت واجب است آنرا بیرون آورد، ولو اینکه باعث بطلان نماز شود. در این حکم میان چیزهایی که خوردن آنها ذاتاً حرام است یا چیزهایی که خوردن آنها ذاتاً حرام نیست، فرقی وجود ندارد، اگر چه وجوب بیرون آوردن در قسم اول مؤکدتر است.

3- با همه فروعی بند پیشین، وقت نماز هم ضیق باشد به طوری که اگر نماز را باطل کند به مقدار یک رکعت نیز از وقت نماز را درک نمی کند اظهر آنست که در این فرض، اگر فرو بردن آن طوری است که عرفاً خوردن محسوب نمی شود لازم است فرو برد و نماز را تمام کند، نمازش صحیح و روزه اش باطل نیست و اگر فرو بردن طوری است که عنوان خوردن بر آن صدق می کند، اگر شیئی از چیزهایی نیست که خوردنش حرام است واجب است آنرا فرو ببرد و روزه را باطل کند تا نماز را عمداً باطل نکند و بعد قضای روزه را می گیرد و همچنین اگر از چیزهایی باشد که ذاتاً خوردن آنها حرام است مانند غذای نجس و خون، ظاهر آنست که ابطال نماز جایز نیست و اهمیت آن بالاتر از چیزهای دیگر است.

4- در صورتی که حفظ و نگهداری آن ممکن نباشد، ولی بتواند آنرا بیرون بیاورد و روزه اش هم باطل نشود و نماز را هم متناسب با حالت اضطرار بخواند، واجب است آنرا بیرون بیاورد و نماز را به صورت اضطرار بجای آورد و هم روزه و هم نمازش صحیح است.

﴿مسئله 1803﴾ ظاهر آنست که شخص روزه دار می تواند انگشت خود را به گلو فروبرد و بیرون بیاورد و نیز جایز است چیزی را که وارد گلو شده با انگشت خود بیرون آورد و روزه اش هم باطل نمی شود.

احکام مبطلات روزه

﴿مسئله 1804﴾ اگر روزه دار عمداً و با اختیار یکی از کارهایی که روزه را باطل می کند انجام دهد، روزه اش باطل می شود و چنانچه عمدی نباشد روزه اش صحیح است، ولی اگر جنب بخوابد و به تفصیلی که در مسئله 1776 گفته شد تا اذان صبح غسل نکند روزه او باطل است.

﴿مسئله 1805﴾ اگر روزه دار سهواً یکی از کارهایی را که روزه را باطل می کند انجام دهد و به خیال اینکه روزه اش باطل شده است دوباره عمداً یکی از آنها را انجام دهد روزه اش باطل است.

﴿مسئلهٔ 1806﴾ اگر به سبب ندانستن مسئله یکی از کارهایی که روزه را باطل می کند انجام دهد، چنانچه در دانستن مسئله کوتاهی کرده باشد روزه اش باطل است، ولی اگر کوتاهی نکرده یا حکم مسئله را اشتباه فهمیده باشد، باطل بودن روزه او معلوم نیست، هر چند احتیاط مستحب مؤکد آنست که دوباره آن را بجای آورد.

﴿مسئلهٔ 1807﴾ اگر چیزی را به زور در گلوی انسان روزه دار بریزند یا سر او را با زور در آب فرو ببرند، روزه اش باطل نمی شود، اما اگر مجبورش کنند که روزه خود را باطل کند، مثلاً به او بگویند که اگر غذا نخوری ضرر مالی یا جانی به تو می زنیم و خودش برای جلوگیری از ضرر چیزی بخورد روزه اش باطل می شود و چنانچه در ماه رمضان باشد، بقیهٔ روز را امساک کند و قضای آن را هم بجای آورد.

﴿مسئلهٔ 1808﴾ روزه دار نباید جایی برود که می داند یا اطمینان دارد که چیزی در گلویش می ریزند یا مجبورش می کنند که خودش روزه اش را باطل کند و اگر فقط قصد رفتن به آنجا را کرده و نرود یا برود و چیزی به خوردش ندهند، اظهار آنست روزه اش باطل نمی شود و اگر بعد از رفتن مجبورش کنند روزه اش را بخورد، بنا بر احتیاط روزه اش باطل است، ولی اگر چیزی در گلویش بریزند معلوم نیست روزه اش باطل شود، اگر چه بهتر است در همهٔ فروض مذکور قضای آن را بجای آورد.

﴿مسئلهٔ 1809﴾ اگر تشنگی و عطش به روزه دار طوری غلبه کند که اگر آب نخورد بترسد هلاک شود، می تواند به اندازه ای که ضرورت دارد آب بخورد و روزه اش باطل می شود، اگر چه کفاره ندارد. در صورتی که ماه رمضان باشد واجب است بعد از مصرف کردن آب به اندازهٔ ضرورت تا آخر روز امساک کند و بعد از ماه رمضان قضای آن روز را بجای آورد. اگر ماه رمضان نباشد، امساک بقیهٔ روز واجب نیست، در صورت واجب معین بودن روزه بهتر است تا آخر روز امساک کند.

کفّارهٔ روزه

﴿مسئلهٔ 1810﴾ اگر کسی عمداً و بدون داشتن عذر شرعی در ماه رمضان افطار کند و روزه اش را باطل کند، علاوه بر قضای آن، کفّاره نیز بر او واجب می شود و کفّارهٔ روزهٔ ماه رمضان سه چیز است که انسان مخیر است به طور معمول یکی از آنها را انجام دهد:

1- گرفتن دو ماه روزه به طوری که سی و یک روز آن پی در پی باشد و اگر بقیهٔ آن پی در پی نباشد اشکال ندارد.

2- دادن شصت مُد و چارک طعام (هر چارکی ده سیر است) به شصت فقیر یا سیر کردن آنها.

3- آزاد کردن یک بنده در راه خدا (که فعلاً موضوعیتی ندارد).

﴿مسئلهٔ 1811﴾ کسی که می خواهد دو ماه روزهٔ رمضان را بگیرد واجب است طوری شروع کند

که پیش از گرفتن سی و یک روز به روزی که روزه در آن حرام است، مثلاً عید قربان برخورد نکند، همچنین نباید به روزی برخورد کند که روزه آن واجب معین باشد، مانند نذر معین، ولی اگر عذرهایی مانند حیض و نفاس یا سفری که در رفتن آن مجبور بوده و از اختیار او بیرون است فاصله شود، اشکال ندارد و باید بعد از برطرف شدن عذر بقیه را انجام دهد.

﴿مسئله 1812﴾ کسی که باید دو ماه پی‌درپی روزه بگیرد، اگر در طول سی و یک روز، بدون عذر یک روز را روزه نگیرد یا وقتی شروع کند که در بین آن به روزی برسد که روزه آن واجب معین است، باید روزه‌ها را از سر بگیرد.

﴿مسئله 1813﴾ کسی که می‌خواهد شصت فقیر را سیر کند، می‌تواند آنها را به یک باره یا در چند نوبت دعوت کند و نیز می‌تواند به هر کدام یک مُد طعام گندم، جو، خرما، برنج، ذرت و مانند اینها معادل تقریبی 750 گرم مواد خوراکی بدهد و در یک کفاره جایز نیست به یک فقیر بیش از یک طعام داده شود و اگر توان پرداخت آن مقدار را هم نداشته باشد، هر چند فقیر را که می‌تواند سیر کند یا هر مقدار مواد خوراکی که می‌تواند بدهد و اگر به هیچ وجه توان ندارد استغفار کند و پس از آن هر وقت توانست بهتر است کفاره را بدهد.

﴿مسئله 1814﴾ کسی که برای کفاره یک روز باید شصت فقیر را سیر کند، اگر به شصت فقیر دسترسی ندارد، نمی‌تواند به یک فقیر بیش از یک مُد طعام بدهد یا یک فقیر را بیش از یک مرتبه سیر کند، ولی چنانچه اطمینان داشته باشد که فقیر آنها را به زن و فرزند خود می‌دهد یا آنان را سیر می‌کند، می‌تواند برای هر یک از نان‌خورهای فقیر اگر چه صغیر باشند، یک مُد طعام بدهد.

﴿مسئله 1815﴾ در مواردی که به علت عذری چند روز روزه نگرفته است و باید برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد، می‌تواند کفاره چند روز را به یک فقیر بدهد.

﴿مسئله 1816﴾ کسی که عمداً روزه‌اش را باطل کرده، پس از آن، چه بعد از ظهر مسافرت کند و یا قبل از ظهر برای فرار از روزه سفر کند، کفاره از او ساقط نمی‌شود، حتی اگر قبل از ظهر مسافرت برای او پیش آید، کفاره از او ساقط نمی‌شود.

﴿مسئله 1817﴾ اگر کسی عمداً روزه خود را باطل کند و بعد از آن عذری مانند حیض، نفاس یا مرضی که برای روزه‌دار ضرر دارد پیش آید، بنا بر احتیاط واجب کفاره از او ساقط نمی‌شود.

﴿مسئله 1818﴾ اگر انسان یقین داشته باشد که اول ماه رمضان است و عمداً روزه‌اش را باطل کند و بعداً معلوم شود که آخر ماه شعبان بوده، کفاره ندارد، گرچه بهتر است کفاره بدهد.

﴿مسئله 1819﴾ اگر کسی شک کند که آخر ماه رمضان است یا اول ماه شوال و عمداً روزه خود را باطل کند و بعداً معلوم شود اول شوال بوده، کفاره بر او واجب نیست، گرچه بهتر است کفاره بدهد.

﴿مسئله 1820﴾ اگر مرد روزه‌دار در ماه رمضان همسر روزه‌دار خود را وادار به جماع کند، واجب است هم کفاره خودش را بدهد و هم کفاره همسرش را، ولی اگر زن به جماع راضی باشد

یا زن شوهرش را وادار به جماع کند و یا کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، کفاره هر کس بر خودش واجب است.

﴿مسئله 1821﴾ اگر مرد همسر روزه‌دار خود را در ماه رمضان وادار به جماع کند و زن در اثنای جماع راضی گردد، دو کفاره بر مرد و یک کفاره بر زن واجب می‌شود، اما اگر مرد روزه‌دار همسر روزه‌دار خودش را در ماه رمضان به کارهای دیگری که روزه را باطل می‌کند - غیر از جماع - وادار سازد کفاره روزه زن بر هیچ کدام واجب نیست.

﴿مسئله 1822﴾ اگر مرد روزه‌دار در ماه رمضان با همسر روزه‌دار خود که خواب است جماع کند فقط یک کفاره بر خودش واجب می‌شود، ولی روزه زن صحیح است و کفاره نیز ندارد.

﴿مسئله 1823﴾ هیچ کس به علت اینکه مسافر یا بیمار است و روزه نیست، حق ندارد همسر روزه‌دار خود را وادار به جماع سازد و اگر وادار کند، روزه زن صحیح است و کفاره زن بنا بر احتیاط بر مرد واجب است، ولی بر خود مرد کفاره واجب نیست.

﴿مسئله 1824﴾ جایز نیست انسانی که کفاره بر عهده اوست در بجای آوردن آن کوتاهی کند، گرچه فوراً نیز لازم نیست انجام دهد، ولی اگر کوتاهی کرد و چندین سال به تأخیر افتاد، چیزی بر آن افزوده نمی‌شود.

﴿مسئله 1825﴾ کسی که قضای روزه رمضان گرفته است اگر تا اذان ظهر آن را باطل نکند، دیگر نمی‌تواند باطل کند و اگر بعد از ظهر آن را عمداً باطل کند باید به ده فقیر هر کدام ده مُد طعام یعنی حدود 750 گرم گندم، جو، خرما، برنج یا ذرت و مانند اینها بدهد و اگر نمی‌تواند باید بنا بر احتیاط واجب سه روز پی‌درپی روزه بگیرد و خوب است به جای ده فقیر، شصت فقیر را اطعام کند.

﴿مسئله 1826﴾ کسی که نذر کرده روز معین را روزه بگیرد، واجب است مطابق نذر خود عمل کند و اگر عمداً افطار کند علی‌الظاهر کفاره او مانند کفاره رمضان است.

﴿مسئله 1827﴾ کسی که روزه اعتکاف گرفته است نمی‌تواند روزه‌اش را بنا بر جماع باطل کند و اگر عمداً با جماع باطل کند، کفاره او مانند کفاره ماه رمضان است و بنا بر احتیاط لازم، ترتیب را باید رعایت کند، ابتدا بنده را آزاد کند - چون اکنون مصداق ندارد، موضوعاً منتفی است - سپس دو ماه پی‌درپی روزه بگیرد و در مرتبه سوم شصت فقیر را سیر کند یا به شصت فقیر، هر کدام 750 گرم طعام دهد و اگر معتکف روزه را با مبطلات دیگری غیر از جماع باطل کند کفاره ندارد، به جز استمناء که بهتر است کفاره داده شود.

مواردی که فقط قضای روزه واجب است

﴿مسئله 1828﴾ در موارد زیر فقط قضای روزه واجب است:

1- هر گاه روزه‌دار بدون آنکه کار مُبطل روزه انجام دهد، قصد کند که روزه خود را به هم بزند

- و آن را باطل کند یا قصد ریا کند یا از نیت روزه عدول کند و نیت روزه نکند.
- 2- هرگاه در ماه رمضان غسل جنابت را فراموش کند و با حالت جنابت یک یا چند روز، روزه بگیرد.
- 3- هرگاه در ماه رمضان بدون اینکه تحقیق کند صبح شده یا نه کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد و بعد معلوم شود صبح بوده است، حتی در صورتی که بعد از تحقیق گمان کند که صبح شده یا هنوز شب باقی است یا تردید داشته باشد که صبح شده یا نه، در صورتی که کاری که روزه را باطل می‌کند انجام داده باشد، فقط قضای روزه لازم است، ولی اگر پس از تحقیق یقین پیدا کند صبح نشده است و چیزی بخورد و بعداً معلوم شود صبح بوده، قضای روزه واجب نیست.
- 4- هرگاه به گفته کسی که می‌گوید صبح نشده کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد و بعد معلوم شود صبح بوده است، خواه گفته آن فرد برای او حجت باشد یا نباشد. اگر از گفته او یقین کند که صبح نشده و بعداً معلوم شود صبح شده است، در این صورت نه کفاره دارد و نه قضا.
- 5- هرگاه به گفته کسی که می‌گوید صبح شده، یقین نکند یا خیال کند شوخی کرده است و کاری که مبطل روزه است، انجام دهد و بعد معلوم شود صبح بوده است.
- 6- هرگاه نابینا و مانند آن به گفته کسی که می‌گوید غروب شده اطمینان کرده و افطار کند و بعد معلوم شود غروب نبوده است.
- 7- بنا بر احتیاط هرگاه در هوای صاف به علت تازیک شدن هوا، یقین کند غروب شده و افطار کند و بعداً معلوم شود غروب نبوده است، ولی اگر در هوای ابری با اطمینان به اینکه غروب شده افطار کند و بعداً معلوم شود غروب نبوده است، قضا لازم نیست و اگر در هوای صاف شک کند که غروب شده و یا ظن داشته باشد که غروب شده است، اگر افطار کند اقوی آنست که کفاره هم بدهد.
- 8- به گفته دو عادل روزه خود را افطار کند یا به گفته کسی اطمینان پیدا کند که غروب شده و افطار کند، ولی بعد معلوم شود غروب نبوده است و چنانچه خبر دهندگان مجادل نباشند یا از گفته فردی اطمینان حاصل نکند، بنا بر اظهار کفاره هم واجب است.
- 9- هرگاه بی‌جهت یا برای خنک شدن مضمضه کند، یعنی آب را در دهان بگرداند، ولی بی‌اختیار فرو دهد. اگر فراموش کند روزه است یا برای وضوی نماز واجب مضمضه کند و بی‌اختیار فرو رود، قضا بر او واجب نیست. اگر غیر از آب چیز دیگری را در دهان قرار دهد و بدون اختیار فرو رود یا آب را به عنوان استنشاق وارد بینی کند و بدون اختیار فرو رود، باز هم قضا واجب نیست.
- 10- بنا بر احتیاط هرگاه با همسرش ملاعبه و بازی کند و بدون اینکه قصد یا عادت داشته باشد، بی‌اختیار منی از او خارج شود، اقوی آنست که قضا ندارد، اگر چه بنا به احتیاط مستحب قضای آن را بجای آورد.

﴿مسئله 1829﴾ در صورتی که بداند اگر مضمضه کند، آب فرو خواهد داد یا فراموش کرده و آب را فرو خواهد برد، مضمضه کردن آب جایز نیست.

﴿مسئله 1830﴾ مضمضه زیاد برای روزه‌دار مکروه است و اگر بعد از مضمضه بخواد آب دهان را فرو ببرد بهتر است قبل از آن سه مرتبه آب را در دهان بگرداند و بیرون بریزد.

مواردی که قضا و کفاره، هر دو واجب است

﴿مسئله 1831﴾ در موارد زیر علاوه بر قضای روزه کفاره نیز بر انسان واجب می‌شود:

- 1- اگر با علم، آگاهی و عمد یکی از مبطلات روزه را انجام دهد و همچنین بنا بر احتیاط واجب اگر عمداً سر را زیر آب ببرد یا نسبت دروغ به خداوند متعال و پیامبر اسلام ﷺ و امامان معصومین علیهم‌السلام بدهد یا تنقیه کند، احتیاط واجب آنست که کفاره هم بدهد؛ در قی کردن، اقوی آنست که کفاره واجب نیست، ولی اگر کفاره بدهد بهتر است.
 - 2- بنا بر احتیاط واجب اگر در یاد گرفتن مسئله کوتاهی کرده و به دلیل ندانستن مسئله روزه خود را باطل کرده باشد.
 - 3- چنانچه بر اثر آروغ زدن چیزی را که در دهانش مانده عمداً فرو برد.
 - 4- اگر شک کند یا گمان کند غروب شده است و با این حال عمداً افطار کند.
 - 5- اگر با اینکه توان تشخیص وقت را دارد به گفته شخصی که در شرع اعتبار ندارد، روزه خود را افطار کند و معلوم شود غروب نشده است.
 - 6- اگر غیر از جماع و استمناء کاری که حلال است، ولی روزه را باطل می‌کند انجام دهد و بعد با کار حرامی به جز جماع و استمناء روزه خود را باطل کند؛ البته در این صورت بنا بر احتیاط مستحب کفاره جمع هم بدهد.
 - 7- احتیاطاً مسافری که قبل از رسیدن به حدّ ترخص، عمداً روزه خود را باطل کند.
- ﴿مسئله 1832﴾ اگر روزه معینی را که به خاطر نذر بر خود واجب کرده است عمداً باطل کند علاوه بر قضای آن بنا بر احتیاط شصت فقیر را غذا دهد تا سیر شوند.

کفاره جمع

﴿مسئله 1833﴾ در موارد زیر بنا بر احتیاط واجب کفاره جمع واجب می‌شود، یعنی هم باید دو ماه روزه بگیرد و هم شصت فقیر سیر کند و هم یک بنده را در صورت امکان آزاد کند و چون آزاد کردن بنده در زمان ما موضوعیت ندارد، باید دو صورت دیگر را انجام دهد:

- 1- هرگاه روزه‌دار با چیز حرام روزه خود را باطل کند، چه آن چیز ذاتاً حرام باشد مثل شراب و زنا، یا به سببی حرام شده مثل نزدیکی با همسر در حال حیض، یا خوردن و آشامیدن چیزی که برای او ضرر فوق‌العاده دارد.
- 2- هرگاه روزه‌دار دروغی را به خدا یا پیامبر ﷺ یا یکی از امامان معصومین علیهم‌السلام و بنا بر احتیاط

واجب حضرت زهرا علیها السلام یا سایر پیامبران و جانشینان آنان نسبت دهد.
 3- در صورتی که روزه‌دار آروغ بزند و چیزی که از صورت و شکل غذا بودن خارج شده و خوردنش حرام است به دهانش بیاید و عمداً فرو ببرد.
 ﴿مسئله 1834﴾ کسی که کفاره جمع بر او واجب شده است اگر نتواند سه موردی را که در مسئله قبل گفته شد، انجام دهد، هر یک را که می‌تواند بجای آورد.

مواردی که کفاره مضاعف می‌شود

﴿مسئله 1835﴾ بنا بر احتیاط واجب در موارد زیر کفاره روزه رمضان تکرار می‌شود:
 1- اگر عمداً در یک روز ماه رمضان چند بار جماع یا استمناء کند، بنا بر احتیاط واجب باید به تعداد جماع یا استمناء کفاره بدهد، ولی اگر چند مرتبه کار دیگری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، مثلاً چند مرتبه غذا بخورد، یک کفاره کافی است، گرچه کفایت یک کفاره در صورت تکرار جماع یا استمناء، خالی از قوت نیست.
 2- اگر غیر از جماع و استمناء کار دیگری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد و بعد با همسر خود جماع کند، بنا بر احتیاط برای هر کدام یک کفاره واجب می‌شود.
 3- هر گاه از راه حرام جماع کند و بعد با همسر خود جماع کند، بنا بر اقوی یک کفاره جمع کافی است، ولی احتیاط مستحب آنست که یک کفاره غیر جمع نیز بدهد.
 ﴿مسئله 1836﴾ اگر روزه‌دار جماع و استمناء را که به سبب آن کفاره جمع واجب می‌شود چند بار انجام دهد، اقوی آنست که یک کفاره جمع کفایت می‌کند، ولی بنا بر احتیاط مستحب به تعداد آنها کفاره جمع را تکرار کند.

احکام روزه قضا

﴿مسئله 1837﴾ اگر دیوانه عاقل شود، یا کافری مسلمان گردد، قضای روزه‌های دیوانگی یا کفر بر ایشان واجب نیست، اما اگر مسلمان مرتد و دوباره مسلمان شود، قضای روزه‌های دوران ارتداد و کفر بر او واجب است.
 ﴿مسئله 1838﴾ روزه‌ای که از انسان به سبب مستی ترک شده باید قضا شود، هر چند چیزی را که به وسیله آن مست شده برای معالجه خورده باشد، بلکه اگر نیت روزه کرده و مست شده است، بنا بر احتیاط واجب باید آن روزه را تمام کند و قضای آن را نیز بجای آورد.
 ﴿مسئله 1839﴾ کسی که با عذر یا بدون عذر چند روز، روزه نگرفته است و در تعداد آن شک دارد، مانند کسی که قبل از ماه رمضان مسافرت رفته و نمی‌داند که پنجم ماه رمضان از سفر برگشته یا ششم، می‌تواند به حداقل اکتفا کند و پنج روز روزه بگیرد؛ نیز کسی که نمی‌داند عذری که برایش به وجود آمده چه وقت پیدا شده است، می‌تواند مقدار کمتر را قضا کند، مثل کسی که در روزه‌های آخر ماه رمضان مسافرت کند و بعد از رمضان نداند ابتدای سفر او بیست و پنجم بوده یا

بیست و ششم، چنین شخصی می‌تواند روز بیست و ششم را روز شروع مسافرت خود حساب کند و پنج روز روزه قضا بگیرد، مگر اینکه عدد روزهایی را که روزه نگرفته می‌دانسته و بعد فراموش کرده باشد که در این صورت بنا بر احتیاط مقدار بیشتر را که احتمال می‌دهد قضا کند.

﴿مسئله 1840﴾ زنی که به سبب حیض یا نفاس روزه‌هایش را خورده است، واجب است بعد از پاک شدن قضای آنها را بگیرد، اما زنی که خون استحاضه دیده اگر به وظائف استحاضه عمل کرده باشد، روزه‌های او قضا ندارد.

﴿مسئله 1841﴾ اگر انسان از چند ماه رمضان روزه قضا داشته باشد، قضای هر کدام را که بگیرد و آن را نیت کند اشکال ندارد و اگر وقت قضای روزه رمضان آخر تنگ باشد، احتیاط آنست که اول قضای روزه رمضان آخر را بگیرد.

﴿مسئله 1842﴾ اگر قضای روزه چند ماه رمضان بر کسی واجب باشد و در بجای آوردن آن نیت معین نکند، ظاهر آنست که قضای سال اول به حساب می‌آید، گرچه ترتیب بین آنها شرط نیست.

﴿مسئله 1843﴾ اگر کسی هم روزه قضا و هم روزه دیگری که واجب است مانند روزه کفاره و نذر و مانند اینها به عهده‌اش باشد، در انجام آنها ترتیب لازم نیست و هر یک از آنها را جلوتر بگیرد مانعی ندارد، ولی کسی که روزه واجب دارد نمی‌تواند روزه مستحبی بگیرد.

﴿مسئله 1844﴾ اگر در ماه رمضان به سبب عذری که پیش آمده، مریضی یا عذر دیگر، روزه نگیرد و بعد از ماه رمضان عذر او برطرف شود، احتیاط واجب آنست که تا رمضان سال آینده قضای آن را بگیرد و در صورتی که عمداً تا رمضان آینده قضای آن روزه را نگیرد، واجب است علاوه بر قضای آن، برای هر روز یک مُد طعام که ده سیر است و 750 گرم گندم و جو و غیره به فقیر بدهد.

﴿مسئله 1845﴾ کسی که قضای روزه رمضان بر عهده دارد اگر در انجام آن تا رمضان سال آینده کوتاهی کند یا وقت تنگ شود و به طور اتفاقی در تنگی وقت عذری پیدا شود و نتواند قضا را انجام دهد، واجب است هم قضای روزه‌ها را بگیرد و هم برای هر روز یک مُد طعام به فقیر دهد.

﴿مسئله 1846﴾ کسی که به هر طریق عذری دارد و برای داشتن عذر روزه‌اش را افطار می‌کند، اگر تصمیم داشته باشد هر موقع عذرش برطرف شد روزه‌هایش را قضا کند و عذرش برطرف شود و نتواند قضای آن را بگیرد یا وقت تنگ شود و در تنگی وقت عذر دیگری پیدا شود، واجب است هم قضای روزه‌ها را بگیرد و هم احتیاطاً برای هر روز یک مُد طعام به فقیر دهد.

﴿مسئله 1847﴾ اگر بیماری شخص طول بکشد و تا رمضان آینده خوب نشود، قضای روزهایی که خورده واجب نیست، ولی برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد و اگر بعد از بهبودی تا رمضان آینده به اندازه قضا وقت داشته باشد، باید قضای آنها را بگیرد. اگر مرض او چند سال ادامه پیدا کند و تا رمضان آینده به اندازه قضا یکی از رمضانها وقت داشته باشد، فقط قضای ماه رمضان آخری را بگیرد و برای هر روز از سالهای پیش یک مُد طعام به فقیر بدهد و قضای آنها

واجب نیست.

﴿مسئله 1848﴾ کسی که باید کفاره برای هر روز به مقدار یک مُد طعام، گندم، جو، خرما و مانند آن، به فقیر بدهد، می‌تواند کفاره چند روز را به یک فقیر بدهد.

﴿مسئله 1849﴾ اگر قضای روزه رمضان را چند سال به تأخیر بیندازد واجب است قضایش را بگیرد و برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد و با استمرار سالهای تأخیر چیزی به کفاره اضافه نمی‌شود.

﴿مسئله 1850﴾ کسی که به نیت قضای روزه رمضان روزه گرفته است، اگر وقت قضای روزه او تنگ نباشد، می‌تواند قبل از ظهر روزه خود را باطل کند و در غیر این صورت جایز نیست آن را باطل کند بلکه کفاره هم دارد.

﴿مسئله 1851﴾ اگر کسی عمداً و اختیاراً روزه رمضان را نگیرد، واجب است هم قضای آن را بجای آورد و هم برای هر روز، دو ماه روزه کفاره بگیرد یا به شصت فقیر طعام دهد و اگر تا رمضان آینده قضای آن را بجا نیاورد برای هر روز یک مُد طعام باید به فقیر بدهد.

﴿مسئله 1852﴾ اگر قضای روزه میتی را رایگان یا استیجاری گرفته باشد بنا بر احتیاط واجب بعد از ظهر آن را باطل نکند.

﴿مسئله 1853﴾ اگر کسی به علت بیماری یا حیض و نفاس، روزه رمضان را نگیرد و قبل از تمام شدن ماه رمضان بمیرد، لازم نیست روزه‌های او را قضا کنند، ولی اگر به علت مسافرت نگیرد و قبل از تمام شدن رمضان بمیرد، این روزه‌ها را باید برای او قضا کنند.

﴿مسئله 1854﴾ بعد از مرگ پدر و بنا بر احتیاط واجب پس از مرگ مادر، بزرگ‌ترین وارث، مطابق طبقات ارث، واجب است قضای نماز و روزه آنها را بجای آورد و همچنین است اگر پدر و مادر به جز روزه رمضان روزه واجب دیگری مانند روزه نذر داشته باشند، در این موارد اگر پدر میت زنده است بنا بر احتیاط با کمک پسر بزرگ‌تر میت این کار را انجام دهند.

﴿مسئله 1855﴾ بعد از مرگ پدر و بنا بر احتیاط مادر، وقتی قضای روزه آنها بر ولی واجب می‌شود که اگر خود میت زنده می‌ماند بر او واجب بود، بنابراین اگر مثلاً میت بعد از یک بیماری طولانی از دنیا برود به طوری که بعد از هیچ ماه رمضان تا وقت مرگ، وقت برای قضای آنها پیدا نکند، چون برای او قضای آنها واجب نبوده، پس برای ولی میت هم که بزرگ‌ترین وارث مرد است، واجب نیست.

احکام روزه مسافر

﴿مسئله 1856﴾ مسافری که واجب است نمازهای چهار رکعتی را دو رکعتی بخواند، نباید روزه بگیرد، ولی مسافری که نمازش تمام است، مانند کسی که شغلش مسافرت است، باید روزه خود را هم بگیرد.

﴿مسئله 1857﴾ مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، هر چند برای فرار از روزه باشد، ولی مسافرت پیش از بیست و چهارم رمضان مکروه است، مگر اینکه برای حج، عمره یا کار ضروری دیگری انجام گرفته باشد.

﴿مسئله 1858﴾ اگر کسی نذر کند روز معینی سفر نرود و روزه بگیرد نمی تواند آن روز مسافرت کند و باید آن روز را روزه بگیرد و اگر در سفر باشد باید قصد کند ده روز در آنجا بماند و آن روز را روزه بگیرد، ولی اگر نذر کرده باشد روز معینی را روزه بگیرد، بنا بر اقوی می تواند در آن روز مسافرت کند و در سفر روزه نگیرد و بنا بر احتیاط واجب قضای آن را بجای آورد، ولی اگر کسی روزه قضا داشته باشد و وقت آن بر اثر مضیق شدن، معین شده باشد، اقوی آنست که می تواند مسافرت کند، ولی در همه صور مذکور بهتر است مسافرت نکند و روزه اش را بگیرد.

﴿مسئله 1859﴾ اگر نذر کند روزه بگیرد و روز آن را معین نکند، نمی تواند آن را در سفر بجای آورد، ولی چنانچه نذر کند که روز معینی را در سفر روزه بگیرد، باید آن را در سفر بجای آورد، همچنین اگر نذر کند که روز معینی را - مسافر باشد یا نباشد - روزه بگیرد باید آن روز را اگر چه مسافر باشد روزه بگیرد.

﴿مسئله 1860﴾ گرفتن روزه مستحبی در سفر جایز نیست، ولی مسافر می تواند برای برآورده شدن حاجت سه روز در مدینه منوره، روزه مستحبی بگیرد، به شرط آنکه روزه قضا نداشته باشد و احوط آنست که روزهای چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه باشد.

﴿مسئله 1861﴾ کسی که نمی داند روزه مسافر باطل است، اگر در سفر روزه بگیرد و بین روز به مسئله آگاه شود روزه اش باطل می شود، اگر تا غروب نفهمد، روزه اش صحیح است، ولی اگر مسئله را می دانسته و فراموش کرده است یا متوجه نیست که مسافر است، روزه اش باطل است.

﴿مسئله 1862﴾ کسی که روزه است و قصد مسافرت دارد یکی از چند حالت زیر برایش متصور است:

- 1- اگر بعد از اذان ظهر مسافرت کند روزه اش صحیح است و باید آن را تمام کند.
- 2- اگر قبل از ظهر از وطن خارج شود و فقط کمتر از هشت فرسخ داشته باشد یا بخواهد کمتر از چهار فرسخ برود و برگردد، روزه اش صحیح است و باید آن را به پایان ببرد.
- 3- اگر قبل از ظهر از وطن خارج شود و قصد حداقل هشت فرسخ رفت یا چهار فرسخ رفت و برگشت را داشته باشد، بعد از رسیدن به حد ترخص روزه او صحیح نیست و قضای آن واجب می شود، هر چند از شب قبل قصد مسافرت نداشته باشد و چنانچه مسافر قبل از رسیدن به حد ترخص روزه خود را باطل کند، كفاره نیز بر او واجب می شود.

﴿مسئله 1863﴾ اگر مسافر قبل از ظهر به وطن خود یا به جایی که می خواهد ده روز در آنجا اقامت کند برسد، چنانچه کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد باید آن روز را روزه بگیرد و اگر انجام داده است، روزه آن روز بر او واجب نیست، بلکه صحیح هم نیست.

﴿مسئله 1864﴾ اگر مسافر بعد از ظهر به وطن خود یا به جایی که می‌خواهد ده روز در آنجا بماند برسد، گرچه کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، روزه آن روز صحیح نیست.

﴿مسئله 1865﴾ کسی که مسافر است و ده روز در جایی قصد اقامت کند، اگر روزه بگیرد و بعد از ظهر همان روز از قصد اقامت منصرف شود، دو صورت دارد:

1- چنانچه یک نماز چهار رکعتی ادا خوانده باشد، روزه اش صحیح است و تا وقتی آنجاست باید نمازهایش را تمام بخواند و روزه‌هایش را نیز بگیرد.

2- چنانچه یک نماز چهار رکعتی ادا نخوانده باشد، روزه آن روزش صحیح است، ولی نمازهایش را باید شکسته بخواند و در روزهای بعد هم نمی‌تواند روزه بگیرد.

﴿مسئله 1866﴾ مسافر و کسی که از روزه گرفتن معذور است، مکروه است در روز ماه رمضان جماع کند یا در خوردن و آشامیدن خود را کاملاً سیر کند.

کسانی که روزه بر آنها واجب نیست

﴿مسئله 1867﴾ کسانی که روزه بر آنها واجب نیست عبارتند از:

1- کسی که به علت پیری توانایی روزه گرفتن ندارد یا روزه گرفتن برای او مشقت دارد، ولی در صورت دوّم و نیز بنا بر احتیاط واجب در صورت تعدّر و عدم توانایی، برای هر روز، ده سیر طعام به عنوان کفاره به فقیر بدهد و بهتر است که دو مُد طعام یعنی بیست سیر طعام به فقیر بدهد و اینگونه افراد اگر بعد از ماه رمضان بدون مشقت بتوانند روزه‌هایی که افطار کرده‌اند را بگیرند، بهتر است قضا کنند.

2- کسی که دچار مرضی است که زیاد تشنه می‌شود یا توان تحمل تشنگی را ندارد یا برای او مشقت دارد و در صورت مشقت و بنا بر احتیاط واجب در صورت نداشتن قدرت، باید برای هر روز یک مُد طعام که ده سیر طعام است، به فقیر بدهد و احتیاط مستحب آنست که دو مُد یعنی بیست سیر طعام به فقیر بدهد و احتیاط مؤکد آنست، در صورتی که بعد از ماه رمضان بتواند بدون مشقت روزه بگیرد، قضای روزه‌هایی را که افطار کرده بجای آورد و نیز احتیاط لازم و واجب آنست که بیشتر از مقدار ضرورت آب ننوشد؛ در صورتی که افراد پیر و کسانی که مرض عطش دارند توان دادن ده سیر طعام به فقیر را ندارند، چیزی بر آنان لازم نیست.

3- زنی که وضع حمل او نزدیک است و روزه برای بچه یا خود او زیان دارد، در صورت اول و نیز بنا بر احتیاط واجب در صورت دوم باید برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد و در هر دو صورت باید روزه‌هایی را که نگرفته قضا کند.

4- زنی که بچه شیر می‌دهد و شیر او کم است - چه مادر بچه باشد یا دایه او، چه با اجرت شیر دهد یا بی اجرت - و روزه برای بچه‌ای که شیر می‌خورد یا برای خود او ضرر دارد، در صورت اول و بنا بر احتیاط واجب در صورت دوم باید برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد و در هر دو

صورت باید روزه‌هایی را که نگرفته قضا کند و اگر کسی پیدا شود که بدون اجرت یا با گرفتن اجرت از پدر یا مادر بچه یا فرد دیگر، بچه را شیر دهد، بنا بر احتیاط واجب بچه را به او دهد و خود روزه بگیرد.

«مسئله 1868» به خاطر ضعف و مانند آن نمی‌توان روزه را افطار کرد، ولی اگر گرفتن روزه آن قدر سخت باشد که به حد غُسر و حرج برسد، جایز است روزه نگیرد و بعد از رمضان قضای آن را بجای آورد و بنا بر احتیاط لازم باید به مقدار ضرورت آب بیاشامد و غذا بخورد.

«مسئله 1869» دختری که به سن بلوغ شرعی رسیده است، ولی از جهات جسمی آن قدر ضعیف است که روزه گرفتن برای او عادتاً مقدور نیست یا غُسر و حرج دارد و یا باعث ضرر و زیان او می‌شود، فعلاً تکلیف از او ساقط است و هنگامی که قدرت پیدا کرد قضای روزه را باید بگیرد.

اقسام روزه

روزه اقسامی دارد: واجب، مستحب، مکروه و حرام.

1- روزه‌های واجب

«مسئله 1870» روزه‌های واجب عبارت‌اند از: روزه ماه رمضان، روزه کفاره، روزه قضا، روزه‌ای که به جای «هلدی» و قربانی شتر در حج تمتع انجام می‌شود، روزه نذر، عهد، قسم و روزه‌ای که در اثر التزام به شرط واجب می‌شود و نیز روزه‌ای که با اجیر شدن به عهده می‌آید و روزه روز سوم اعتکاف.

2- روزه‌های حرام

«مسئله 1871» روزه‌های حرام عبارتند از:

- 1- روزه روز عید فطر.
- 2- روزه روز عید قربان.
- 3- در روزی که نمی‌داند آخر شعبان است یا اول رمضان، اگر به نیت اول رمضان روزه گیرد.
- 4- بنا بر احتیاط واجب روزه مستحبی زن اگر باعث پایمال شدن حقوق شوهر شود.
- 5- بنا بر احتیاط واجب روزه مستحبی زنی که شوهرش او را از روزه مستحبی نهی کرده باشد، هر چند حق شوهر هم از بین نرود.
- 6- روزه مستحبی فرزند اگر باعث آزار پدر یا مادر شود و نیز بنا بر احتیاط واجب در صورتی که آنان او را از گرفتن روزه مستحبی نهی کرده باشند؛ بنا بر احتیاط جد پدری نیز همین حکم را دارد.
- 7- روزه‌ای که برای روزه‌دار ضرر و زیان داشته باشد.
- 8- روزه شخص مسافر مگر در مواردی که استثناء شده است.

- 9- روزه‌ای که برای ارتکاب حرام و یا ترک واجب نذر شود.
- 10- روزه صُمت، یعنی کسی نیت کند در تمام روزی که روزه گرفته یا مقداری از آن را سکوت کند به گونه‌ای که سکوت را قید روزه قرار دهد.
- 11- روزه وصال، یعنی روز را روزه بگیرد و شب هم تا سحر غذا نخورد یا اینکه دو روز را روزه بگیرد و در وسط آن افطار نکند، ولی اگر افطار را تا سحر یا شب بعد به تأخیر بیندازد مانعی ندارد، ولی بهتر آنست که انجام ندهد و اینکه در اسلام در میان روزه‌های حرام، صوم دهر نیز اعلام شده است، به اعتبار شمول آن به عیدین است و إلا خود صوم دهر مستقلاً حرمت ندارد.
- ﴿مسئله 1872﴾ اگر فرزند بدون اجازه پدر و مادر روزه مستحبی بگیرد و در بین روز او را منع کنند، احتیاطاً واجب است روزه خود را افطار کند.
- ﴿مسئله 1873﴾ کسی که یقین دارد روزه برایش ضرر ندارد حتی اگر پزشک بگوید ضرر دارد، واجب است روزه بگیرد، به شرط آنکه در واقع نیز ضرر نداشته باشد و اگر بعداً معلوم شود ضرر داشته، بنا بر احتیاط واجب قضای آن را بجای آورد و اگر کسی یقین یا ظن و گمان دارد یا احتمال موجهی می‌دهد که روزه برای او ضرر دارد، گرچه پزشک بگوید ضرر ندارد نباید روزه بگیرد و اگر روزه بگیرد صحیح نیست، مگر آنکه قصد قربت از او محقق شود و معلوم شود ضرر نداشته است.
- ﴿مسئله 1874﴾ اگر انسان شک داشته باشد که روزه برای او ضرر دارد و پزشک متخصص و حاذق که گفته او وثوق آور باشد، نظر دهد، نظر پزشک حجت است.
- ﴿مسئله 1875﴾ کسی که عقیده دارد روزه برای او ضرر ندارد چنانچه روزه بگیرد و پس از مغرب معلوم شود روزه برای او ضرر داشته، باید قضایش را بجای آورد.

3- روزه‌های مکروه

- ﴿مسئله 1876﴾ روزه‌های مکروه - به معنای کم بودن ثواب عمل - عبارتند از:
- 1- روزه روز عاشورا.
 - 2- روزه روز عرفه برای کسی که روزه او را از دعاهای آن روز باز می‌دارد.
 - 3- روزه روزی که شک دارد عرفه است یا عید قربان.
 - 4- روزه مستحبی فرزند بدون احراز رضایت پدر و مادر.
 - 5- روزه مهمان بدون اجازه میزبان و در صورتی که میزبان مهمان را نهی کرده باشد، کراهت آن شدیدتر است و اگر روزه مهمان موجب اذیت و آزار صاحب‌خانه شود به عنوان انطباق عنوان دومی، ممکن است روزه حرام باشد.

4- روزه مستحبی

- ﴿مسئله 1877﴾ روزه تمام روزهای سال به جز روزه‌های حرام و مکروه که گفته شد، روزه مستحبی به حساب می‌آیند و برای بعضی روزها سفارش بیشتری شده است، از جمله:

1- پنجشنبه اول و آخر هر ماه و چهارشنبه اولی که بعد از روز دهم ماه است و اگر ترک شود مستحب است قضای آن بجای آورده شود و در صورت عدم امکان برای هر روز یک مُد طعام به فقیر داده شود.

2- سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هر ماه، ایام البیض.

3- تمام ماه رجب و شعبان و هر چه از آنها ممکن باشد حتی یک روز.

4- روز اول تا نهم ذی‌الحجه (روز عرفه).

5- روز بیست و پنجم - دحو الارض - و بیست و نهم ذیقعدہ (انزال کعبه).

6- روز اول و سوم محرم.

7- روز عید مبعث پیامبر بزرگ اسلام ﷺ (بیست و هفتم رجب).

8- روز ولادت با سعادت پیامبر اسلام ﷺ (هفدهم ربیع الاول).

9- روز عید سعید غدیر (هجدهم ذی‌الحجه).

10- روز عید نوروز.

11- روزه‌های پنجشنبه و جمعه هر ماه.

﴿مسئله 1878﴾ اگر در دهه اول هر ماه دو روز پنجشنبه جمع شود، پنجشنبه اول مؤکدتر است و همچنین اگر در دهه آخر هر ماه دو پنجشنبه جمع شود، پنجشنبه آخر مؤکدتر است.

﴿مسئله 1879﴾ کسی که روزه مستحبی گرفته است واجب نیست آن را به آخر برساند، بنابراین اگر فرد مؤمنی او را دعوت به خوردن غذا بکند، مستحب است دعوت او را قبول و در بین روز افطار کند.

﴿مسئله 1880﴾ اگر هر کدام از ایامی که روزه مستحبی به خصوص دارد، مصادف باشد با ایام دیگری که یا روزه‌اش واجب است مانند ماه رمضان و یا روزه آن روز به سبب عنوان دیگری مستحب است، مثلاً پنجشنبه‌ای است که مصادف با روز میلاد پیامبر ﷺ است، اگر به نیت هر دو عنوان روزه بگیرد، ثواب هر دو را خواهد داشت.

﴿مسئله 1881﴾ اظهر آنست که اگر در هر ماه به هر ترتیب که بخواهد به اندازه سه روز یا بیشتر روزه بگیرد، پی‌درپی بگیرد یا پراکنده کافی است، اگرچه بهتر آنست با همان ترتیبی که در بند یک مسئله 1877 گفته شد عمل کند.

خودداری از مبطلات روزه برای غیر روزه‌دار

﴿مسئله 1882﴾ برای چند گروه مستحب است در ماه رمضان اگرچه روزه‌دار نباشند، برای رعایت حرمت ماه مبارک از کارهای مُبطل روزه اجتناب کنند:

1- مسافری که در سفر کاری که روزه را باطل می‌کند انجام داده باشد و قبل از ظهر به وطنش یا جایی که ده روز در آنجا می‌خواهد بماند برسد.

- 2- مسافری که بعد از ظهر به وطن یا جایی که ده روز می‌خواهد در آنجا بماند برسد.
 - 3- بیماری که پیش از ظهر خوب شود و کاری که روزه را باطل می‌کند انجام داده باشد.
 - 4- بیماری که بعد از ظهر خوب شود.
 - 5- زنی که در بین روز از خون حیض و نفاس پاک شود.
 - 6- کافری که وسط روز ماه مبارک رمضان مسلمان شود.
 - 7- طفلی که در وسط روز به بلوغ برسد، گرچه در طفل احتیاط لازم آنست که اگر قبل از زوال به بلوغ برسد و کاری نیز که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، نیت کند و روزه بگیرد و روزهاش صحیح است و اگر روزه نگیرد بعداً قضا کند.
- ﴿مسئله 1883﴾ مستحب است روزه‌دار نماز مغرب و عشا را پیش از افطار کردن، بخواند، ولی اگر کسی منتظر اوست یا میل زیادی به غذا دارد که نمی‌تواند با حضور قلب نماز بخواند، بهتر است ابتدا افطار کند، ولی هر قدر که ممکن است نماز را در اول وقت آن بجای آورد.

آنچه برای روزه‌دار مکروه است

﴿مسئله 1884﴾ چند چیز برای روزه‌دار مکروه است:

- 1- لمس، بوسیدن، شوخی و بازی کردن با همسر به خصوص برای جوانها و نیز برای کسانی که با این نوع اعمال شهوت آنها تحریک می‌شود، البته این کراهت در صورتی است که قصد بیرون آمدن منی نداشته و چنین حالت و عادت هم نداشته باشد و اگر به قصد بیرون آمدن منی باشد و منی هم خارج شود، در صورتی که در واجب معین مانند رمضان و قضای آن و بعد از زوال باشد، هم کار حرامی مرتکب شده و هم روزه‌اش باطل است.
- 2- دوا ریختن به چشم و سر مه کشیدن و مانند اینها.
- 3- هر کاری که موجب ضعف انسان شود، مانند حمام رفتن و حمام کردن و مانند آن.
- 4- انفیة کشیدن در صورتی که نداند به گلویش می‌رسد و الا جایز نیست.
- 5- بو کردن گیاهان معطر؛ این کراهت در مورد گل نرگس شدیدتر است.
- 6- خیس کردن لباسی که بر تن دارد.
- 7- هر کاری که موجب بیرون آمدن خون از دهان شود، مثل کشیدن دندان.
- 8- شیاف کردن با غیر مایعات.
- 9- مضمضه برای غیر وضو.
- 10- نشستن زن در آب.
- 11- مسواک زدن دندانها با مسواک مرطوب در صورتی که رطوبت آن زیاد نباشد که بر آن آب خارجی صدق کند، و گرنه جایز نیست مگر آنکه در آب دهان مستهلک شود.
- 12- مجادله کردن.

- 13- شتاب کردن بر قسم به خداوند تعالی در صورتی که به حق باشد و آلا جایز نیست.
- 14- اشتغال به اشعاری که انسان را به دنیا ترغیب و تشویق می‌کند و یا مشتمل بر تعریف و تمجید از صاحبان قدرت و ثروت و زیورهای ظاهری دنیا است که روزه‌دار را به خود مشغول کند.

راه ثابت شدن اول و آخر هر ماه

﴿مسئله 1885﴾ اول و آخر ماه با یکی از پنج طریق زیر ثابت می‌شود:

- 1- خود انسان ماه را ببیند، اگر چه با چشم مسلح باشد.
- 2- دو مرد عادل خبر دهند که در شب ماه را دیده‌اند، به شرط آنکه خبر و شهادت هر یک دربارهٔ صفات ماه خلاف دیگری یا خلاف واقع نباشد، اما اگر فقط در تشخیص بعضی خصوصیات اختلاف داشته باشند، با گفتهٔ آنان ماه ثابت می‌شود.
- 3- عده‌ای که از گفتهٔ ایشان اطمینان پیدا می‌شود، بگویند ماه را دیده‌ایم همچنین است هر چیزی که به واسطهٔ آن اطمینان پیدا می‌شود.
- 4- سی روز از آغاز ماه شعبان بگذرد که به سبب آن اول ماه رمضان ثابت می‌شود و سی روز از اول ماه رمضان بگذرد که به سبب آن اول ماه شوال، عید فطر، ثابت می‌شود.
- 5- حاکم شرع جامع شرایط حکم کند که اول ماه است.

﴿مسئله 1886﴾ اگر حاکم شرع جامع شرایط حکم کند که اول ماه است، کسی که از او تقلید نمی‌کند نیز باید به حکم او عمل کند، ولی کسی که می‌داند حاکم شرع اشتباه کرده است یا او را جامع شرایط نمی‌داند، نمی‌تواند به حکم او عمل کند.

﴿مسئله 1887﴾ با اخبار و پیشگویی منجمین و امثال آن، اول ماه ثابت نمی‌شود، مگر آنکه از گفتهٔ ایشان یقین و اطمینان حاصل شود، در این صورت لازم است مطابق اطمینان به دست آمده عمل کند.

﴿مسئله 1888﴾ بلند بودن ماه یا دیر غروب کردن آن دلیل بر اینکه شب قبل اول ماه بوده، نیست.

﴿مسئله 1889﴾ اگر مطابق راههایی که گفته شد اول ماه رمضان بر کسی ثابت نشود و روزه نگیرد، در صورتی که دو مرد عادل خبر دهند یا از راه دیگری معلوم شود شب قبل ماه دیده شده است، واجب است قضای آن را بگیرد و اگر همان روز ثابت شود که شب قبل ماه دیده شده است، اگر قبل از زوال باشد و کارهایی که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، واجب است نیت روزه کند و روزه بگیرد و اگر کارهایی که روزه را باطل می‌کند انجام داده باشد و یا بعد از ظهر آن روز معلوم شود، واجب است هم بقیهٔ آن روز از کارهایی که روزه را باطل می‌کند پرهیز کند و هم قضای آن را بجای آورد.

﴿مسئله 1890﴾ روزی را که نمی‌داند آخر ماه رمضان است یا اول ماه شوال، واجب است به نیت رمضان روزه بگیرد و اگر قبل از ظهر معلوم شود یا دو مرد عادل شهادت دهند اول شوال است،

واجب است افطار کند.

﴿مسئله 1891﴾ شهادت و گواهی دو مرد عادل باید به سبب رؤیت باشد، بنابراین اگر به خاطر حدس یا قواعد علمی گواهی دهند، به عنوان شهادت دو مرد عادل اعتبار ندارد.

﴿مسئله 1892﴾ اول و آخر هر ماه از راه تلگراف و مانند آن ثابت نمی‌شود، مگر اینکه انسان علم پیدا کند که تلگراف به سبب شهادت و گواهی دو مرد عادل یا راه‌های دیگری که شرعاً اعتبار دارد، بوده است که در این صورت معتبر خواهد بود.

﴿مسئله 1893﴾ اگر در شهری اول ماه ثابت شود، برای مردم جاها و شهرهای دیگر هم اول ماه است، مگر آنکه تفاوت افق آن قدر زیاد و خارج از حد متعارف باشد که مثلاً در یکی روز و در دیگری شب باشد. در این صورت میزان در وحدت افق، اشتراک آنها در شب است، ولو اینکه در یکی اول شب و در دیگری آخر شب باشد؛ چون اختلاف و زیاده و نقیصه در تمامی ماههای قمری از جمله رمضان به اندازه یک روز امری معقول و متعارف و حتی منصوص است.

﴿مسئله 1894﴾ اسیر و زندانی در مواردی که نمی‌تواند علم پیدا کند که ماه رمضان است یا نه، واجب است مطابق گمانش عمل کند و اگر ظن و گمان هم ممکن نباشد هر ماهی را که روزه بگیرد صحیح است و واجب است بعد از گذشت یازده ماه که روزه گرفته است، دوباره یک ماه دیگر روزه بگیرد و اگر گمان پیدا کرد که ماه رمضان است، واجب است مطابق ظن و گمان خود عمل کند، شایان ذکر است امروزه با توجه به رشد ارتباطات و رسانه‌ها و به ویژه ارتباط جهانی و دستگاه عظیم اطلاع رسانی اینترنت، فرض چنین وضعیتی تقریباً غیرممکن است.

اعتکاف و احکام آن

اعتکاف در نظر فقهای اسلام علیه السلام عبارت است از اینکه انسان به قصد تقرب به خداوند متعال و به منظور عبادت او با شرایط خاصی که در مسائل آینده بیان خواهد شد، در مسجد بماند.

اعتکاف در لغت از ماده «عکوف» گرفته شده و عکوف به معنای ملازم شدن، حبس کردن، متلبس گردیدن، مواظبت کردن و مانند اینهاست که در تمامی آنها نوعی قرار و مستقر شدن و ثبات ملاحظه شده و با توجه به معنای لغوی، اعتکاف از عکوف اشتقاق پیدا کرده است و ظاهراً اعتکاف به همان معنای عرفی و لغوی در شرع گرفته شده است، منتها شارع مقدس آن را بنا بر قیود و شرایطی، محدود و مقید فرموده، بنابراین اعتکاف از معانی صرف تعبیدی نیست و در هر موردی قید و حد شرعی وارد شده باشد به آن قید اخذ می‌شود و در هر جا که قید و حدی وارد نشده باشد و یا مورد شک و تردید قرار گرفته باشد به همان معنای عرفی و لغوی ارجاع داده خواهد شد.

اعتکاف در روایات اسلامی

اخبار و روایات زیادی به طور متواتر از طریق شیعه و سنی از پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله در

مورد اعتکاف وارد شده و روایات و سخنانی نیز به همین مضمون از زبان امامان معصوم علیهم السلام نقل گردیده است؛ در روایتی نقل شده که پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «ده روز اعتکاف در ماه رمضان ثوابش معادل دو حج و دو عمره است»¹ و نیز نقل شده که دهه آخر رمضان پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله در مسجد معتکف می‌شدند و بستر خواب ایشان در این دهه کاملاً جمع می‌شد.²

﴿مسئله 1895﴾ در تمام ایام سال غیر از روزهایی که روزه گرفتن در آنها حرام است، اعتکاف صحیح است و افضل آنها ماه رمضان به ویژه دهه آخر آنست.

﴿مسئله 1896﴾ اعتکاف عملی مستحبی است، ولی به سبب نذر، قسم، عهد و مانند اینها بر انسان واجب می‌شود.

﴿مسئله 1897﴾ مستحب است کسی که معتکف می‌شود، نمازها و دعاهایی را که درباره اعتکاف وارد شده است، در حلد توان انجام دهد.

شرایط اعتکاف

﴿مسئله 1898﴾ اعتکاف صحیح شرایط زیر را دارد:

- 1- اسلام، بنابراین اعتکاف غیر مسلمان صحیح نیست.
- 2- ایمان، شرط قبولی همه اعمال است، ولی شرط صحت آنها نیست.
- 3- عقل.
- 4- قصد تقرب الهی، مانند همه عبادات دیگر.
- 5- روزه داشتن، کسی که به هر دلیلی روزه نمی‌گیرد، اعتکافش صحیح نیست.
- 6- حداقل سه روز در مسجد بماند، بنابراین اگر کسی کمتر از سه روز در مسجد بماند و یا قصد کند کمتر از سه روز بماند، اعتکافش صحیح نیست و برای حداکثر اعتکاف حد شرعی وجود ندارد.

﴿مسئله 1899﴾ اعتکاف در غیر مسجد و مسجدی که جامع نیست و نماز جمعه صحیح و جامع شرایط در آن خوانده نشده، مثل مسجد بازار و مسجد قبیله جایز نیست و در مواردی که در یک شهر و روستا دو مسجد جامع وجود داشته باشد، اعتکاف کننده مخیر است در هر کدام از این دو مسجد که بخواهد اعتکاف کند.

﴿مسئله 1900﴾ اعتکاف در غیر مسجد جامع صحیح نیست، ولی افضل آنست که در مسجد

1. وسائل الشیعه، ج 10 باب 1 ج از ابواب اعتکاف ح 3 ص 534.

2. وسائل الشیعه، چاپ آل‌البیت، ج 10، باب 1، کتاب الإعتکاف، ح 1 و 4 ص 533، 534.

الحرام، مسجد النبی ﷺ، مسجد کوفه یا مسجد بصره انجام شود.

﴿مسئله 1901﴾ کسی که اعتکاف می کند واجب است سه روز متوالی در مسجد جامع بماند و نباید در حال اختیار از مسجد خارج شود، مگر اینکه خارج شدن از مسجد ضرورت داشته باشد، مثلاً برای قضای حاجت و غسل جنابت خارج شود، که در این صورت اشکال ندارد.

﴿مسئله 1902﴾ اگر در بین اعتکاف محتمل شود، واجب است فوراً برای انجام غسل جنابت از مسجد خارج شود و پس از غسل بلافاصله به مسجد بازگردد و برای غسل نیز به اندازه ضرورت و انجام واجبات اکتفا کند.

﴿مسئله 1903﴾ اعتکاف همسر نسبت به دو روز اول در صورتی که با حق شوهر منافات داشته باشد، نباید با اجازه شوهر باشد و همچنین اعتکاف فرزند در دو روز اول در صورتی که موجب اذیت و آزار پدر و مادر شود، باید با اجازه آنها انجام شود اما هنگامی که شوهر به همسرش اجازه داد و نیز هنگامی که پدر و مادر به فرزندشان اجازه دادند، اجازه آنها برای روز سوم شرط نیست بلکه نهی آنان نیز تأثیر ندارد و ماندن روز سوم در مسجد برای اعتکاف کننده واجب است.

﴿مسئله 1904﴾ اعتکاف زاهد در روز اول می توان به هم زد، ولی اگر دو روز اول تمام شود، روز سوم واجب خواهد بود. اما اعتکافی که به سبب نذر، عهد، قسم و مانند اینها واجب شده، اگر معین باشد، به هم زدن آن جایز نیست و اگر نذر مطلق باشد، حکم آن مانند اعتکاف مستحبی است.

﴿مسئله 1905﴾ با توجه به اینکه عبادات طفل ممیز، یعنی بچه ای که خوب و بد را تشخیص می دهد، مشروع و جایز است، اعتکافش هم با اجازه ولی شرعی او جایز است.

﴿مسئله 1906﴾ کسی که اعتکاف می کند با توجه به اینکه باید روزه بگیرد، در روز باید از انجام تمام چیزهایی که روزه را باطل می کند - مبطلات صوم - خودداری کند و نیز واجب است از کارهای زیر - در شب یا روز - اجتناب کند و در صورت عدم پرهیز، اعتکافش باطل می شود:

1- نزدیکی با زن و بلکه بنا بر احتیاط واجب لمس کردن و بوسیدن وی از روی شهوت.

2- بنا بر احتیاط واجب استمناء چه به صورت حلال مثلاً با نگاه یا لمس همسر منی از او خارج شود یا به صورت حرام.

3- بوییدن عطر خوش.

4- خرید، فروش و تجارت، بنا بر احتیاط واجب.

5- مجادله و بحث در امور دنیوی یا دینی برای اظهار وجود و خودنمایی.

﴿مسئله 1907﴾ اگر معتکف یکی از کارهایی که روزه را باطل می کند سهواً انجام دهد، ظاهر آنست که اعتکاف او باطل نمی شود، اما اگر اعتکاف کننده سهواً جماع کند، در صورتی که اعتکاف او واجب باشد، احتیاط آنست که یا دوباره از اول شروع کند و یا اعتکاف کنونی را به اتمام برساند و بعد قضای آن را بجای آورد، اما اگر اعتکاف او مستحب باشد احتیاط آنست که آن را به اتمام برساند.

«مسئله 1908» اگر اعتکاف با یکی از چیزهایی که آنرا باطل می‌کند باطل شود، چند فرض قابل تصور است:

- 1- اگر اعتکاف او واجب و معین باشد قضای آن لازم است.
 - 2- اگر واجب غیرمعین باشد، واجب است آنرا دوباره شروع کند و بهتر آنست که اعتکاف فعلی را تمام کند و دوباره از سر بگیرد.
 - 3- اگر اعتکاف مستحب باشد، در صورتی که آن اعمال در دو روز اول واقع شود، اشکال ندارد، ولی اگر در روزهای پس از روز دوم باشد، واجب است آنرا قضا کند.
- «مسئله 1909» اگر اعتکاف واجب را با جماع باطل کند، در صورتی که شب جماع کرده باشد، علاوه بر قضا کفاره هم باید بدهد و کفاره آن هم مانند کفاره باطل کردن عمدی روزه ماه رمضان است و احوط آنست که ترتیب را رعایت کند، ولی اگر جماع را در روز انجام داده باشد، علاوه بر قضا، دو کفاره باید بدهد، اما اگر با غیر جماع اعتکاف را باطل کند، قضای آن واجب است، ولی کفاره ندارد، گرچه دادن کفاره بهتر است.
- «مسئله 1910» در تمام مواردی که قضای اعتکاف واجب است، لازم نیست آنرا فوراً بجای آورد، ولی در انجام آن نباید مسامحه و سستی به خرج دهد.

www.bayatzan.com